

۳
افق

فرار نفتی

پیشنهاد عراق به سوریه برای عبور نفت

۳
جهان

در خط آتش

ریاض زیر حملات حوثی‌ها

۷
کوچه

شفادارو روی میز فروش

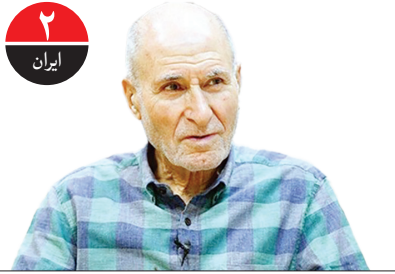
واگذاری مجموعه دارویی مهم کشور

۷
جامعه

تثبیت سراسری قیمت‌ها

کمیته ۵ نفره قیمت گذاری دستوری

تندروها در مسیر اسرائیل

انتقاد بهزاد نبوی از تلاش تندروها
برای تداوم وضعیت جنگی در کشور۲
ایران

یادداشت روز

پیام گازوئیلی

چرا مسکو متحد همیشگی تهران نیست؟

کوروش احمدی

دیده‌لغات پیشین



توافق دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین بر سر ارسال مغادیری گازوئیل روسی به آمریکا، فراتر از یک معامله انرژی، نمونه و پرده‌ای از منطق حاکم بر سیاست خارجی رئیس‌جمهور آمریکا و نحوه عمل اوست؛ سیاستی که در آن، تصمیمی‌گیری‌ها چندان تابع اصول و موازین روشنی نیست. این اقدام خاص ترامپ قبل از اینکه ارتباطی به سیاست آمریکا در قبال اوکراین و روسیه داشته باشد عمدتاً تابع مصلحت سیاسی روز او و حاصل تلاش او برای عبور هرچند محدود و موقت از مشکل قیمت گازوئیل در آستانه یک تحول سیاسی مهم یعنی انتخابات نوامبر است.

ترامپ پیش از آنکه به یک راهبرد منسجم و اصولی ثابت پایبند باشد، سیاست را میدان معامله‌های مقطعی می‌بیند؛ جایی که منافع کوتاه‌مدت و ملاحظات سیاسی می‌توانند بر تعهدات پیشین غلبه کنند. از آنجا که تناقض در رفتار او و اتخاذ تصمیم‌های ضدتقیض چندان عجیب نیست اقدام ناگهانی به واردات گازوئیل از روسیه را نیز نباید کاملاً غیرمتربقه انگاشت. ترامپ می‌تواند همزمان از فشار بر روسیه سخن بگوید و برای تأمین سوخت مورد نیاز آمریکا به پوتین متوسل شود و شخصاً تلفنی، معامله‌ای را با او به اصطلاح جوش دهد بدون اینکه مقید به ضوابط و راهبرد آمریکا در ارتباط با روابط دو کشور و روابط با دیگر کشورها باشد.

البته سابقه گرایش ترامپ به دوستی با پوتین به دوره نخست ریاست‌جمهوری او بازمی‌گردد. شباهت‌هایی در سبک رهبری اقتدارگرایانه این دو رهبر و مخالفت آن دو با نظم بین‌المللی لیبرال و نظام‌های سیاسی لیبرال، زمینه‌ای برای این نزدیکی فراهم کرده است. برخی نیز علاقه ترامپ به پوتین را بی‌ارتباط با هم‌زادی و «فرهنگ مشترک سفیدپوستی» ندانسته‌اند. در دوره دوم نیز ترامپ در ارتباط با بحران اوکراین بیشتر شخصاً متمایل به تحت‌فشار قرار دادن ولودیمیر زلنسکی برای دادن امتیازهای ارضی به روسیه بوده است؛ امتیازهایی که می‌تواند به تثبیت دستاوردهای سرزمینی برای روسیه منجر شود و به تثبیت موقعیت سیاسی پوتین در داخل روسیه کمک کند.

با این حال سیاست آمریکا در برابر مسکو فقط در کاخ سفید تعیین نمی‌شود. کنگره و حتی بخشی از جمهوری خواهان همچنان در قبال روسیه، موضعی سخت‌گیرانه دارند. تصویب تحریم‌های اخیر علیه مسکو در چنین فضایی در کنار توافق گازوئیلی ترامپ، شکاف میان رویکرد شخصی رئیس‌جمهور و بخش‌هایی از ساختار سیاسی آمریکا را نشان می‌دهد.

معامله گازوئیل با پوتین در شرایطی رقم خورده که به تصور ترامپ، قیمت سوخت در داخل آمریکا می‌تواند پاشنه آشیلی برای دولت او و موقعیت جمهوری خواهان در انتخابات باشد. توافق با پوتین، فرصتی تبلیغاتی در اختیار او می‌گذارد تا خود را رئیس‌جمهوری معامله‌گر و قادر به مهار بحران معرفی کند. اما میان تبلیغات سیاسی و اثر واقعی اقتصادی فاصله زیادی وجود دارد. نخستین محموله ۳۰۰ هزار تنی چیزی در حدود مصرف یک روز گازوئیل در آمریکاست و روشن نیست که کاهش ۵ درصدی در قیمت گازوئیل بعد از اعلام خبر تا چه زمانی می‌تواند، دوام آورد.

| ادامه در صفحه ۳

دور زدن هرمز

درحالی که بسته بودن تنگه هرمز، تأمین سوخت در آمریکا را با اختلال جدی مواجه کرده است ترامپ توانست در توافقی با پوتین، نزدیک به ۵ میلیون تن گازوئیل از روسیه خریداری کند سازندگی به این موضوع پرداخته است که

این معامله چه اثراتی بر جنگ آمریکا با ایران و جنگ روسیه با اوکراین خواهد داشت؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

وضعیت جنگی با ایران، معامله در واشنگتن و خشم در کی‌یف؛ گازوئیل سه صحنه ظاهراً دور از هم را به یکدیگر پیوند داده است. اختلال در عبور نفت و سوخت از تنگه هرمز، هزینه حمل‌ونقل و تولید را در آمریکا

به حدی بالا برده که دونالد ترامپ برای مهار قیمت‌ها سراغ ولادیمیر پوتین رفته است. اما گازوئیلی که رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد با آن فشار بر کشاورزان و کامیون‌داران کشورش را کاهش دهد از نگاه اوکراین می‌تواند، درآمدی برای ادامه جنگ روسیه فراهم کند. به این ترتیب، پیامدهای جنگ ایران به اختلافی تازه بر سر جنگ اوکراین تبدیل شده و سوال این است که آیا می‌توان سوخت ارزان‌تر خرید، بی‌آنکه هزینه جنگ دیگری را تأمین کرد؟

| ادامه در صفحه ۶





سال نهم شماره ۲۳۵۰
دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵



بررسی رویدادهای سیاسی

میهن

پارلمان

حفاظت از مجلس

واکنش شمسایی به ادعای ثابتی درباره دلایل تعطیلی جلسات صحن



گروه سیاسی: تعطیلی جلسات حضوری صحن مجلس پس از گذشت چند ماه همچنان موضوع اختلاف میان برخی نمایندگان و مسئولان پارلمان است؛ اختلافی که یک سوی آن، نگرانی از محدود شدن نقش نظارتی و سیاسی مجلس و سوی دیگر آن ملاحظات امنیتی و ضرورت حفظ نصاب قانونی برای ادامه فعالیت پارلمان قرار دارد. در تازۀترین واکنش، ایمان شمسایی، رئیس مرکز ارتباطات، رسانه و امور فرهنگی مجلس، در پاسخ به انتقادهای امیرحسین ثابتی تأکید کرده است که دلیل تعطیلی جلسات حضوری، حفظ جان رئیس مجلس نیست بلکه جلوگیری از به حد نصاب نرسیدن پارلمان است.

امیرحسین ثابتی، نماینده تهران، اخیراً در یکی از تجمعات با اشاره به تداوم تعطیلی صحن مجلس، مدعی شد: «اگر در ۴۰ روز اول جنگ، تعطیلی مجلس توجیه داشت که بمنظر بنده توجیه داشت و معتقدم آن موقع تصمیم درستی بود حالا که دیگر ۷ ماه از تعطیلی صحن مجلس می‌گذرد، فکر می‌کنم هر انسان منصف و تیزبینی متوجه شده که انگار یک اراده سیاسی پشت این وضعیت است».

ثابتی برای تقویت ادعای خود به حضور محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، در کنار احمدرضا اادان، فرمانده فراجا و شماری از مسئولان نظامی در همایش باغ‌موزه دفاع مقدس اشاره کرد و پرسید: «آیا آنجا مشکل امنیتی ندارد؟ آیا اسرائیل آدرس آنجا را بلد نیست؟ فقط بهارستان را بلد است بزند؟» او ادامه داد: «متأسفانه آقایان حفظ ظاهر هم نمی‌کنند که بگویند اگر مجلس را به‌خاطر مسائل امنیتی تعطیل کرده‌ایم پس خودمان و جمعی از فرماندهان نظامی کشور را که تک‌تک‌مان سوژه ترور هستیم»- در جنگ ۴۰ روزه بعضی از این آقایان را اسرائیل دو یا سه بار جداگانه هدف قرار داد و خوشبختانه نتوانست- دور هم جمع نکنیم و همزمان مجلس را تعطیل کنیم. سه هفته پیش هم دیدم که مثلاً شهردار تهران جلسه‌ای با فرماندهان ارتش در حوزه دافند برگزار کرده است. خب آقا، اگر اشکال امنیتی دارد، جلسه نگذارید؛ اگر مشکل امنیتی ندارد، فکر نمی‌کنم جمع شدن من و آقای خضریان و منان‌رئیس و مالک کیم جمع شدن من و نظر اسرائیل خیلی مهم‌تر از آن جلسات باشد که اینقدر نگرانش هستید». ثابتی این وضعیت را به برداشتی از «وفاق» پیوند زد و گفت: «متأسفانه آن اراده‌ای که به این نتیجه رسیده مجلس را عملاً کنار بگذارد به اسم وفاق می‌گوید هر کسی هر کاری خواست بکند. همین وضعیت باعث شده، مجلس به این روز بیفتد».

در برابر این ادعاها، روز گذشته، ایمان شمسایی، رئیس مرکز ارتباطات، رسانه و امور فرهنگی مجلس نوشت: «آنچه باعث تعطیلی جلسات حضوری صحن شده، حفظ جان رئیس مجلس نیست بلکه از نصاب نیفتادن پارلمان است».

او همچنین توضیح داده است: «مجلس اگر از ۱۹۲ نماینده کمتر داشته باشد، دیگر امکان برگزاری ندارد. لذا نباید یکجا همه جمع باشند. ولی با شهادت یا مرگ یک نماینده حالا در هر سطحی، دیگر نمایندگان می‌توانند جایگزین جایگاه حقوقی او در مجلس شوند اما چاره جبران افت نصاب، تنها انتخابات است».

به این ترتیب، اختلاف دو طرف صرفاً به زمان بازگشایی صحن محدود نمی‌شود؛ بلکه به دو برداشت متفاوت از دلایل تعطیلی و آثار آن بر جایگاه مجلس بازمی‌گردد. با این حال تعطیلی جلسات حضوری را نمی‌توان لزوماً به‌معنای توقف کامل فعالیت‌های پارلمانی دانست. مسیرهای رسمی نظارت، ازجمله طرح سوال و پیگیری مطالبات نمایندگان، همچنان می‌توانند دنبال شوند. از این منظر در کنار ملاحظات امنیتی و ضرورت حفظ نصاب قانونی، نتیجه عملی نظارت‌ها مهم‌ترین معیار برای ارزیابی عملکرد مجلس و قضاوت افکار عمومی درباره جایگاه این نهاد خواهد بود.

تندروها در مسیر اسرائیل

انتقاد بهزاد نبوی از تلاش تندروها برای تداوم وضعیت جنگی در کشور

نیروهای مسلح و ضرورت ادامه دیپلماسی

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در بررسی نقش نیروهای مسلح در تحولات کشور بر ضرورت تفکیک جایگاه و عملکرد نهادهای دفاعی از مواضع جریان‌های سیاسی تندرو تأکید کرد و گفت: «من معتقد نیستم که همه سپاه یکدست است یا همه نیروهای مسلح با جبهه پایداری همسو هستند». نبوی با اشاره به نقش فرماندهان نظامی در بررسی توافقات و تصمیمات امنیتی کشور، اظهار کرد که در برخی موارد، فرماندهان ارشد سپاه و ارتش از تصمیماتی حمایت کرده‌اند که جریان‌های تندرو با آنها مخالفت داشته‌اند. او در این زمینه به بررسی یکی از تفاهم‌نامه‌های مهم در شورای عالی امنیت ملی اشاره کرد و به نقل از اطلاعاتی که دریافت کرده بود، گفت اکثریت اعضای شورا، ازجمله فرماندهان ارشد نظامی، با آن موافق بوده‌اند و تنها سعید جلیلی رأی مخالف داده است.

این چهره سیاسی همچنین با اشاره به برخی اقدامات نظامی



پس از توافق مورد اشاره از وجود ابهام در منشأ و سازوکار صدور دستور برخی اقدامات سخن گفت و تأکید کرد که پیچیدگی این مناسبات، ضرورت پرهیز از تحلیل‌های ساده‌انگارانه درباره ساختار قدرت و تصمیم‌گیری در کشور را نشان می‌دهد. در عین حال، نبوی از عملکرد نیروهای مسلح در مقابله با حملات آمریکا و اسرائیل قدردانی کرد و توان دفاعی کشور را از ارکان اساسی حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران دانست. او تأکید کرد: «نیروهای مسلح ما در این مقابله خوب عمل کرده‌اند و نه می‌توان آنها را از میدان کنار گذاشت و نه اساساً چنین اقدامی به مصلحت کشور است».

به اعتقاد این سیاستمدار اصلاح‌طلب، حفظ توان دفاعی و پیگیری راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک دو ضرورت متعارض نیستند. از همین‌رو باید همزمان از ظرفیت نیروهای مسلح برای تأمین امنیت کشور و توان دستگاه دیپلماسی برای کاهش تنش‌ها و جلوگیری از گسترش درگیری‌ها بهره گرفت. نبوی با اشاره به پیچیدگی مناسبات سیاست خارجی و دشواری‌های مسیر مذاکرات، اظهار کرد که محدودیت اختیارات تصمیم‌گیری و ابهام در مواضع نهایی کشور می‌تواند از موانع جدی پیشرفت گفت‌وگوهای دیپلماتیک باشد. او در این زمینه گفت: «ما باید تمام تلاش خود را بکنیم که در کنار نیروهای مسلح، مذاکرات را ادامه دهیم و موافقت و همراهی آنان را نیز با این مذاکرات جلب کنیم». این چهره برجسته اصلاح‌طلب با بیان اینکه به نظر می‌رسد پزشک‌های توانسته است، ارتباط مناسبی با فرماندهان ارشد سپاه و ارتش برقرار کند، اظهار کرد که تقویت این هماهنگی می‌تواند به استمرار مسیر دیپلماسی و افزایش امکان دستیابی به راه‌حل‌های سیاسی کمک کند. او همچنین با اشاره به مواضع مقام‌های آمریکایی درباره ادامه تماس‌ها و مذاکرات، خاطرنشان کرد که حتی در صورت استمرار ارتباطات غیرمستقیم و استفاده از واسطه‌های دیپلماتیک، میزان اختیار مذاکره‌کنندگان و امکان جلب حمایت نهادهای تصمیم‌گیر از توافقات احتمالی از مسائل اساسی پیش روی سیاست خارجی کشور است.

نایب‌رئیس مجلس ششم افزود که انتظار دستیابی به تحولی ناگهانی و اساسی در مناسبات خارجی واقع‌بینانه نیست اما باید از هر فرصت ممکن برای کاهش تنش‌ها، استمرار گفت‌وگوها و جلوگیری از تشدید بحران استفاده کرد. او همچنین تأکید کرد که پیش‌بینی ناپذیری سیاست‌های دولت ترامپ نباید به کنار گذاشتن تلاش‌های دیپلماتیک منجر شود.

رایزنی سیاسی و نگرانی از نفوذ

نبوی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت افزایش نقش‌آفرینی شخصیت‌های سیاسی باسابقه و جریان‌های معتدل در مدیریت شرایط بحرانی کشور تأکید کرد و استمرار رایزنی

میان چهره‌های مؤثر سیاسی و مسئولان عالی‌رتبه را اقدامی ضروری دانست. او با اشاره به تلاش‌ها برای انتقال دیدگاه‌ها و نگرانی‌های شخصیت‌های سیاسی به مسئولان کشور، اظهار کرد که محدودیت‌های موجود برای ارتباط مستقیم برخی چهره‌ها با سطوح عالی حاکمیت نباید تلاش‌ها برای تأثیرگذاری بر تصمیمات کلان را متوقف کند. به گفته نبوی، حتی در صورت دشواری برقراری ارتباطات مستقیم، می‌توان از گفت‌وگوهای غیرمستقیم و رایزنی با مسئولان اجرایی برای انتقال دیدگاه‌های کارشناسی و سیاسی بهره گرفت.

این فعال سیاسی تصریح کرد: «باز هم باید پیگیری شود، دیدارها ادامه پیدا کند و جلسات با رئیس‌جمهور و مسئولان کشور استمرار داشته باشد». او همچنین بر ضرورت تداوم ارتباط و هم‌اندیشی میان شخصیت‌هایی همچون سیدمحمد خاتمی، حسن روحانی، محمدجواد ظریف و دیگر چهره‌های سیاسی تأثیرگذار تأکید کرد و گفت، پیشنهاد افزایش هماهنگی و رایزنی این شخصیت‌ها را در دیدارهای آینده خود پیگیری خواهد کرد.

نبوی در ادامه با اشاره به خطر نفوذ عوامل وابسته به اسرائیل در ساختارهای حساس کشور اظهار کرد که سال‌ها پیش نسبت به گسترش نفوذ در سطوح بالای حاکمیت هشدار داده بود و همچنان این موضوع را یکی از آسیب‌پذیری‌های جدی امنیت ملی می‌داند. او ترور فرماندهان نظامی، مسئولان ارشد و دانشمندان هسته‌ای در جریان درگیری‌های اخیر را از نشانه‌های جدی آسیب‌پذیری امنیتی و احتمال فعالیت شبکه‌های نفوذ در بخش‌هایی از ساختار کشور ارزیابی و تأکید کرد که شناسایی و مقابله با عوامل نفوذی در کنار تقویت توان دفاعی و امنیتی از ضرورت‌های اساسی حفظ امنیت ملی و جلوگیری از تکرار خسارت‌های سنگین انسانی و راهبردی است.

تجربه انقلاب‌ها و مسیر اصلاحات

نبوی در بخش دیگری از سخنان خود به بررسی نسبت میان تحولات انقلابی و اصلاحات تدریجی پرداخت. این چهره باسابقه سیاسی و انقلابی با اشاره به گفت‌وگوهای خود با فعالان سیاسی و نسل جوان پس از آزادی از زندان، اظهار کرد که همواره نسبت به پیامدهای انقلاب و خطرات ناشی از فروپاشی ساختارهای موجود هشدار داده است. او با مرور تجربه انقلاب‌های فرانسه، روسیه، ویتنام و الجزایر، گفت بسیاری از انقلاب‌ها اگرچه در براندازی نظام‌های پیشین موفق بوده‌اند، در ایجاد ساختارهای جدید و تحقق اهداف اولیه با دشواری‌های جدی مواجه شده‌اند.

نبوی در این زمینه گفت: «انقلاب‌ها تا جایی که نظام قبلی را از بین می‌برند، موفق‌اند اما وقتی می‌خواهند نظام جدیدی بر خرابه‌های نظام قبلی بسازند، کارشان دشوار می‌شود». او با تأکید بر اینکه ناکامی انقلاب‌ها لزوماً ناشی از فساد، سوءنیت یا فقدان آرمان‌خواهی انقلابیون نیست، توضیح داد که ساختن نهادهای جدید و اداره یک کشور به تجربه، دانش، مهارت و توانایی‌هایی نیاز دارد که صرفاً با انگیزه‌های انقلابی فراهم نمی‌شود. او همچنین تأکید کرد: «خراب کردن آسان است اما ساختن یک نظام جدید روی خرابه‌های نظام قبلی کار بسیار دشواری است».

این فعال سیاسی در ادامه با اشاره به ضرورت استمرار فعالیت مدنی و مطالبه‌گری جریان اصلاحات، اظهار کرد که جبهه اصلاحات و احزاب عضو آن برای برگزاری اجتماعات قانونی درخواست‌هایی ارائه کرده‌اند که برخی از آنها با مخالفت مواجه شده‌اند و برخی دیگر از جمله درخواست برگزاری نشست‌ها در فضاها سرپوشیده همچنان در دست بررسی هستند.

نبوی با تأکید بر ضرورت توجه به هدف، مخاطب و نتایج عملی فعالیت‌های سیاسی و مدنی، خاطرنشان کرد که کشمگری اصلاح‌طلبانه باید با ارزیابی واقع‌بینانه شرایط کشور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی و اجتماعی دنبال شود. او همچنین استفاده از ابزارهای سنجش افکار عمومی را یکی از راه‌های شناخت مطالبات جامعه دانست و گفت، رسانه‌ها و نهادهای مختلف می‌توانند با انجام نظرسنجی درباره موضوعات اساسی کشور، ازجمله مناسبات خارجی و مذاکرات، زمینه انعکاس دیدگاه‌های عمومی را فراهم کنند.

نبوی با اشاره به پیچیدگی شرایط سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور، هشدار داد که تداوم تنش‌های خارجی، تشدید اختلافات داخلی و محدود شدن ظرفیت‌های تصمیم‌گیری می‌تواند مخاطرات جدی‌تری را متوجه آینده ایران کند. او در پایان با تأکید بر ضرورت حفظ موجودیت و تمامیت ارضی کشور، تقویت توان دفاعی، استمرار دیپلماسی، افزایش هماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر و گسترش رایزنی میان نیروهای سیاسی، خاطرنشان کرد که در شرایط کنونی باید از تمامی ظرفیت‌های موجود برای جلوگیری از تشدید بحران و حفظ منافع ملی بهره گرفت.

فرار نفتی

پیشنهادهای عراق به سوریه برای دور زدن تنگه هرمز

گروه بین الملل: اختلال در عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز، عراق را به جست‌وجوی مسیری جایگزین برای صادرات نفت سوق داده است؛ مسیری که از خاک سوریه می‌گذرد و به بندر بانباس در ساحل مدیترانه می‌رسد. اما این تلاش برای نجات درآمدهای نفتی بغداد تنها یک پروژه اقتصادی نیست. همزمان با مذاکرات دو کشور برای احیای خط لوله نفت، نام یک شرکت آمریکایی و روابط تجاری فرستاده ویژه واشنگتن نیز به میان آمده و پرسش‌هایی درباره منافع اقتصادی پشت این طرح ایجاد کرده است.

مسیر زمینی به مدیترانه

دولت عراق از سوریه خواسته علاوه بر ترانزیت نفت کوره در انتقال نفت خام صادراتی این کشور نیز همکاری کند. براساس گزارش رسانه‌های عراقی، نفت با تانکرهای جاده‌ای به بندر بانباس منتقل سپس برای عرضه در بازارهای جهانی به کشتی‌ها بارگیری خواهد شد. یوسف قبوی، مدیرعامل شرکت نفت سوریه، به بلومبرگ گفته است، توافق دو کشور در مراحل نهایی قرار دارد و احتمالاً انتقال نفت خام به‌زودی آغاز می‌شود. او ابراز امیدواری کرده که نخستین کاروان نفتکش‌های عراقی تا اواسط اکتبر به سوریه برسد. عراق هم‌اکنون بخشی از نفت کوره خود را از همین مسیر صادر می‌کند. دمشق نیز

خاورمیانه

در خط آتش

عربستان برای مهار حوثی‌ها از چین کمک خواست



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

حمله مرگبار به فرودگاه ملک خالد در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، جنگ یمن را وارد مرحله‌ای تازه کرده است؛ مرحله‌ای که در آن دیگر میدان نبرد به جبهه‌های مرزی و مواضع نظامی محدود نمی‌ماند و زیرساخت‌های حیاتی، فرودگاه‌ها و مسیرهای هوایی نیز به اهدافی آسیب‌پذیر تبدیل شده‌اند. همزمان با گسترش حملات انصارالله به مراکز اقتصادی و زیرساختی عربستان، هشدارهای تازه صنعا درباره ادامه حملات به فرودگاه‌ها، تکرانی‌ها درباره امنیت حمل‌ونقل منطقه‌ای را افزایش داده است. در چنین شرایطی، ریاض از یک‌سو از پاسخ قاطع سخن می‌گوید و از سوی دیگر بنا بر گزارش رسانه‌های منطقه‌ای برای گشودن مسیر آتش‌بس به میانجیگری چین و عمان روی آورده است. این دو مسیر یعنی تشدید تقابل و تلاش برای مذاکره اکنون همزمان در سیاست عربستان دیده می‌شوند. گسترش حملات، واکنش آمریکا و متحدان عربستان را نیز به‌دنبال داشت. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در پاسخ به پرسشی درباره احتمال پیوستن واشنگتن به حملات سعودی علیه انصارالله گفت: «ممکن است، موضوع را بررسی می‌کنیم». او افزود که به‌تازگی از حمله مطلع شده و تصمیم‌گیری در این زمینه به‌سرعت انجام خواهد شد. امارات متحده عربی هم با اعلام همبستگی کامل با ریاض در کنار عربستان قرار گرفت.

فرودگاه در خط آتش

حمله روز شنبه به فرودگاه ملک خالد، ابعاد انسانی و امنیتی تازه‌ای به جنگ بخشید. گزارش‌ها درباره شمار قربانیان متفاوت بود اما دفاع مدنی عربستان از کشته شدن دست‌کم ۱۲ نفر و زخمی شدن ۳۰۹ نفر خبر داد. خبرگزاری فرانسه ابتدا از بستری شدن ۵ نفر در بخش مراقبت‌های ویژه گزارش داد و فایننشال‌تایمز ساعاتی بعد اعلام کرد که بیش از ۵۰ نفر در بیمارستان بستری شده‌اند. نیویورک‌تایمز و رویترز نیز به نقل از منابع آگاه از کشته شدن دست‌کم ۱۲ نفر و زخمی شدن ده‌ها نفر خبر دادند. مقام‌های سعودی در پی این حمله از توقف فعالیت و تخلیه فرودگاه خبر دادند. سازمان کل هواپیمایی کشوری عربستان اعلام کرد، قربانیان از ملیت‌های مختلف بودند؛ چهار نفر شهروند عربستان، دو نفر بنگلادشی و ۷ نفر دیگر از آمریکا، اردن، سوریه، مصر، فلسطین و سودان. ترکیب قربانیان نشان می‌دهد که پیامدهای جنگ، فراتر از نیروهای نظامی



هرچند وجود روابط تجاری به‌تنهایی تخلف را اثبات نمی‌کند. نکته قابل توجه، بیانیه مشترک باراک و علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، در ۱۶ ژوئن است. در این بیانیه از اقدام برای امضای تفاهم‌نامه با تی‌آی کیپیتال برای بازسازی خط لوله کرکوک به بانباس سخن گفته شد اما نامی از شورون و یوسی‌سی هلدینگ نیامد.

راه نجات یا مسیر محدود؟

احیای مسیر سوریه می‌تواند به عراق کمک کند تا بخشی از صادرات خود را هنگام بحران حفظ کند و به سوریه نیز فرصت دهد که نقش ترانزیتی خود را تقویت کند. با این حال موفقیت طرح به سرمایه‌گذاری، امنیت مسیر و تکمیل زیرساخت‌ها بستگی دارد. بحران هرمز ضرورت تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی عراق را آشکار کرده است؛ اما پروژه‌ای که با هدف کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی آغاز شده اکنون با پرسش‌هایی درباره شفافیت تجاری و نقش بازیگران سیاسی نیز روبه‌روست.

ادامه یادداشت روز

پیام گازوئیلی

اقدام روسیه نیز عمدتاً جنبه سیاسی دارد. مهم‌ترین دستاورد پاسخ مثبت پوتین به ترامپ، بازگذاشتن مسیر ارتباط با اوست. با این حال توان مسکو برای اجرای تعهدات هنوز پرسش‌برانگیز است. حملات اوکراین به پالایشگاه‌های روسیه و گزارش‌ها درباره مشکلات تأمین سوخت در روسیه و واردات سوخت از هند، تردیدهایی درباره امکان انتقال سریع این حجم از گازوئیل ایجاد می‌کند. از آنجاکه محموله‌ها قرار است در سه مرحله ارسال شوند، بعید است قبل از روشن شدن میزان و زمان تحویل بتوان از تأثیر چشمگیر آنها بر قیمت سوخت در آمریکا سخن گفت.

اما این معامله برای تهران چه معنایی دارد؟ یکی از محورهای اصلی اقدامات ایران در ماه‌های اخیر اعمال فشار بر بازار انرژی با هدف افزایش هزینه‌های اقتصادی بحران برای آمریکا و متحدان آن کشور و همه دنیا و ایجاد اهرم فشاری از این رهگذر بوده است. در چنین شرایطی هر اقدامی که بتواند، بخشی از فشار عرضه و قیمت سوخت در آمریکا را کاهش دهد از منظر ایران، اهمیت پیدا می‌کند. هرچند اثر توافق روسیه، با توجه به حجم محدود آن، نباید بیش از اندازه بزرگ‌نمایی شود اما صرف اقدام سیاسی پوتین حاکی از تلاش او برای حفظ رابطه با ترامپ به هر قیمتی است؛ گرایشی که تهران نباید نسبت به آن بی‌توجه باشد.

این واقعه و نیز اقدام چین به کاهش واردات حدوداً ۵ میلیون بشکه‌ای در روز بعد از شروع بحران تنگه هرمز نشان داد که این دو کشور سیاست‌های خاص خود را بر مبنای منافع خاص خود دنبال می‌کنند و ممکن است در لحظه‌ای که تهران روی یک اهرم فشار حساب باز کرده برای تأمین منافع اقتصادی یا سیاسی خود با واشنگتن کنار بیایند.

بنابراین توافق گازوئیلی به‌تنهایی به‌معنای چرخش کامل ترامپ به سوی روسیه یا پشت کردن قطعی به اوکراین نیست؛ اما نشانه روشنی از سیاست معامله‌محور او و پوتین است. این نشانه کوچکی است که مؤید یک قاعده عمومی و همیشگی است که حاکی از ابدی نبودن دوستی‌ها و پایان‌پذیر بودن دشمنی‌هاست. برای ایران نیز پیام روشن است: همکاری با روسیه می‌تواند فرصت بسازد اما نمی‌تواند، تکیه‌گاهی همیشگی و محکم باشد.

عراق به مدیترانه را تقویت کند. دو کشور برای انجام مطالعات فنی و مالی این پروژه، یادداشت تفاهمی با کنسرسیومی شامل شرکت آمریکایی «تی‌آی کیپیتال»، شرکت نفتی شورون و شرکت قطری «یوسی‌سی هلدینگ» امضا کرده‌اند. اما حضور تی‌آی کیپیتال به دلیل روابط تجاری تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور سوریه و عراق با زیاد غندور، بنیان‌گذار این شرکت، مورد توجه قرار گرفته است.

انتهای دوباره نقش باراک

اسناد عمومی نشان می‌دهند که باراک هنگام تأسیس تی‌آی کیپیتال، حق دریافت یک‌پنجم سود یک پروژه املاک و مستغلات در نزدیکی سان‌فرانسیسکو را داشته که این شرکت اداره می‌کرد. همچنین دو منبع آگاه از مذاکرات گفته‌اند، باراک پس از آغاز جنگ ایران در دیدار با مقام‌های عراقی و سوریه برای وارد کردن شرکت غندور به پروژه خط لوله فشار آورده است. این ادعاها پرسش‌هایی درباره احتمال تداخل منافع تجاری و مسئولیت رسمی او ایجاد کرده‌اند؛

هوایی را در بر بگیرد. با این حال صنعا اجرای تعهدات عربستان در مسیر صلح را پیش‌شرط اعلام آتش‌بس دانسته است. به این ترتیب اختلاف اصلی فقط بر سر توقف حملات نیست؛ هر طرف می‌خواهد پیش از عقب‌نشینی از اجرای تعهدات طرف مقابل اطمینان پیدا کند.

دمشق جبهه تازه نمی‌گشاید

در همین حال شایعات درباره احتمال پیوستن سوریه به جنگ علیه یمن با واکنش دولت موقت این کشور روبه‌رو شد. وزارت اطلاع‌رسانی سوریه ضمن تأکید بر موضع دمشق در حمایت از عربستان در برابر تهدیدهای امنیتی اعلام کرد، همکاری نظامی با کشورهای شریک تنها از مسیرهای رسمی و چارچوب‌های دوجانبه موجود انجام می‌شود.

جنگی بدون برنده روشن

چشم‌انداز کوتاه‌مدت بیش از آنکه از پایان جنگ حکایت داشته باشد از احتمال تشدید درگیری‌ها خبر می‌دهد. عربستان برای تأمین اهداف امنیتی خود و مهار تهدیدهای انصارالله تحت فشار است؛ در مقابل، صنعا نیز بعید است بدون دریافت امتیازهای ملموس از موضع خود عقب‌نشینی کند. در چنین شرایطی حملات متقابل می‌تواند، بحران انسانی یمن را عمیق‌تر کند بی‌آنکه پیروزی قاطعی برای هیچ‌یک از طرف‌ها به همراه داشته باشد. با این حال ادامه جنگ فرسایشی، هزینه‌هایی دارد که ریاض و دیگر بازیگران منطقه‌ای نمی‌توانند برای مدتی نامحدود تحمل کنند. اختلال در دو گذرگاه راهبردی هرمز و باب‌المندب امنیت تجارت جهانی و بازار انرژی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و به همین دلیل بحران یمن ممکن است بیش از گذشته به معادلات گسترده‌تر امنیت منطقه‌ای و روابط ایران و عربستان گره بخورد.

آتش‌بس با ضمانت‌های تازه؟

یکی از سناریوهای محتمل، دستیابی به توافقی تازه برای توقف درگیری‌هاست؛ توافقی که در مقایسه با تفاهم سال ۲۰۲۲ به سازوکارهای نظارتی و ضمانت‌های اجرایی قوی‌تری نیاز خواهد داشت. در چنین چارچوبی ممکن است انصارالله کنترل مؤثر خود بر صنعا و بخش‌هایی از شمال یمن را حفظ کند و دولت مورد حمایت عربستان نیز در جنوب و بخش‌هایی از نوار ساحلی جایگاه خود را نگه دارد. تضمین امنیت کشتیرانی در باب‌المندب نیز می‌تواند، بخشی از مذاکرات احتمالی باشد. اما تحقق این سناریو به حل اختلاف‌های بنیادین و پذیرش واقعیت‌های میدانی از سوی طرف‌ها بستگی دارد. حمله به فرودگاه ریاض نشان داده که جنگ همچنان ظرفیت گسترش دارد؛ درخواست میانجیگری از چین نیز حاکی از آن است که گزینه نظامی به‌تنهایی توانسته، راه‌حل پایداری فراهم کند. در نهایت شاید پایان جنگ نه با پیروزی کامل یک طرف بلکه با توافقی دشوار بر سر تقسیم قدرت و مهار تهدیدهای امنیتی رقم بخورد؛ توافقی که فعلاً بیش از آنکه نزدیک باشد به اراده سیاسی طرف‌های درگیر وابسته است.



داد از فرودگاه‌ها و حریم هوایی عربستان استفاده نکنند. او همچنین درباره استفاده از زیرساخت‌های هوایی و کشتیرانی این کشور هشدار داد. این تهدیدها در صورت عملیاتی شدن، می‌تواند هزینه‌های جنگ را از میدان نظامی به بخش‌های گردشگری، تجارت، حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری عربستان منتقل کند؛ حوزه‌هایی که برای برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای ریاض اهمیت راهبردی دارند.

چرخش به سوی پکن

در کنار تهدیدهای نظامی، نشانه‌هایی از تلاش ریاض برای یافتن راه خروج دیپلماتیک نیز دیده می‌شود. پایگاه خبری یمنی «وای‌ان‌بی» به نقل از منابع آگاه گزارش داد که عربستان از دولت چین خواسته است میان ریاض و صنعا میانجیگری رسمی کند تا زمینه برای آتش‌بس فراهم شود. براساس این گزارش، عربستان آمادگی خود را برای توافقی اعلام کرده که توقف عملیات نظامی از جمله حملات



سال نهم شماره ۲۳۵۰
دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵

کافه

تازه‌های ادب و هنر

گزارش تجسمی

از تناولی تا کیارستمی

آثار شاخص **بیست‌وششمین** **حراج تهران**



اثر «هیج» از پرویز تناولی



اثر کوروش شیشه‌گران

در بیست‌وششمین حراج تهران، ویژه آثار مدرن و معاصر ایران که ۲۴ مهر ماه برگزار می‌شود، اثری از پرویز تناولی با برآورد ۲۰۰ تا ۲۵۰میلیارد تومان، بیشینه و کمینه گران‌ترین اثر این دوره را دارد. پس از او، منیر فرمانفرمایان و کوروش شیشه‌گران در جایگاه دوم و سوم قرار دارند.

به گزارش ایسنا، برآوردهای قیمتی آثار در بیست‌وششمین حراج تهران، تفاوت قابل‌توجهی با قیمت فروش آثار در دوره پیشین این حراج دارد که تیر ۱۴۰۵ برگزار شد. برای مثال، در حالی که برآورد قیمت گران‌ترین اثر حراج مهرین ۲۰۰ تا ۲۵۰میلیارد تومان است، گران‌ترین اثر فروخته‌شده در دوره قبل، تابلوی «افق رفیع» از سهراب سپهری بود که به قیمت ۴۲میلیارد و ۳۵۰میلیون تومان چکش خورد. پرویز تناولی: در میان آثار این دوره، اثری از پرویز تناولی از مجموعه «هیج» با برآورد قیمت ۲۰۰ تا ۲۵۰میلیارد تومان، بالاترین بازه قیمتی اعلام‌شده را به‌خود اختصاص داده است. این اثر که در سال ۱۳۹۳ خلق شده، ۲ متر ارتفاع دارد و شماره ۲ از تعداد ۶ نسخه است. در حراج مهر ماه، اثر دیگری از این هنرمند از مجموعه «شاعر و استخوان شیر» با برآورد قیمت ۲۴ تا ۲۶میلیارد تومان، عرضه شده است. این اثر در سال ۱۳۹۱ در اولین حراج تهران ارائه شده بود.

منیر فرمانفرمایان: پس از آن، اثری از منیر فرمانفرمایان با برآورد ۱۰۰ تا ۱۵۰میلیارد تومان رتبه دوم را به‌خود اختصاص داده است. این اثر سال ۱۳۸۷ خلق شده و جنس آن آینه‌کاری، نقاشی پشت شیشه و گچ روی چوب است. فرمانفرمایان از هنرمندان شناخته‌شده هنر مدرن ایران بود که در آثارش از هندسه، آینه‌کاری و هنرهای سنتی ایرانی بهره می‌گرفت.

کوروش شیشه‌گران: اثر «درون بیرون» از کوروش شیشه‌گران با برآورد ۵۵ تا ۶۰ میلیارد تومان، در جایگاه سوم فهرست آثار گران‌قیمت این حراج قرار دارد. این اثر سال ۱۳۹۶ در هفتمین حراج تهران ارائه شده بود. شیشه‌گران از هنرمندان مطرح هنر معاصر ایران است که در نقاشی و تجربه‌های تصویری خود، زبان بصری و بزره‌ای را دنبال کرده است.

محمد احصایی: اثر بدون عنوان محمد احصایی با برآورد ۴۰ تا ۴۵میلیارد تومان، در میان آثار دارای بالاترین برآورد قیمتی این دوره قرار دارد. اثر دیگری از او با عنوان «ذکر تصویری الله» نیز با برآورد ۲۴ تا ۲۶میلیارد تومان در حراج عرضه می‌شود. احصایی از چهره‌های برجسته نقاشی خط ایران است که پیوند خوشنویسی و بیان تصویری در آثارش جایگاهی محوری دارد.

حسین زندهرودی: اثری بدون عنوان از حسین زندهرودی با برآورد ۴۰ تا ۴۵میلیارد تومان در فهرست آثار گران‌قیمت این دوره قرار گرفته است. زندهرودی از هنرمندان تأثیرگذار هنر مدرن ایران و از چهره‌های مرتبط با مکتب سقاخانه است.

ابوالقاسم سعیدی: اثر بدون عنوان ابوالقاسم سعیدی نیز با برآورد ۴۰ تا ۴۵میلیارد تومان در حراج امسال عرضه شده است. این اثر در ماه اکتبر ۲۰۰۹ در حراج بونامز دویی ارائه شده بود. سعیدی به‌واسطه نقاشی‌هایش، به‌ویژه منظره‌ها و درختان، شناخته می‌شود و از هنرمندان صاحب‌سبک نقاشی مدرن ایران به‌شمار می‌رود.

منصور قنبریز: اثر بدون عنوان منصور قنبریز با برآورد ۲۶ تا ۲۸میلیارد تومان، از دیگر آثار گران‌قیمت این دوره است. این اثر در سال ۱۳۹۶ در هفتمین حراج تهران ارائه شده است. اثر دیگری از این هنرمند با عنوان «تک‌چهره بهمن سرکراتی» نیز با برآورد قیمتی ۴ تا ۵میلیارد تومان در حراج امسال ارائه شده است.

آیدین آغداشلو: اثر «خاطرات انهدام: در ستایش روسو فیورتیتو» از آیدین آغداشلو با برآورد ۲۲ تا ۲۴میلیارد تومان در این دوره از حراج ارائه شده است. اثر دیگری از او نیز با برآورد ۶ تا ۷میلیارد تومان در فهرست حراج قرار دارد.

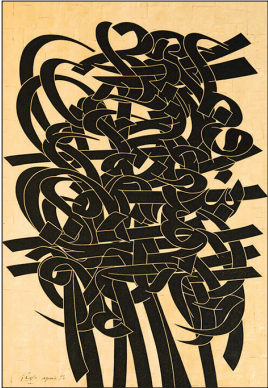
فریده لاشایی: اثری بدون عنوان از فریده لاشایی با برآورد ۲۲ تا ۲۴میلیارد تومان، در این دوره از حراج تهران عرضه شده است.

واحد خاکدان: اثر «سفر» از واحد خاکدان با برآورد ۱۶ تا ۱۸میلیارد تومان، یکی دیگر از آثار قابل‌توجه این دوره است. خاکدان به‌واسطه نقاشی‌های واقع‌گرایانه و توجه به اشیاء، فضاهای داخلی و خاطره در هنر معاصر ایران شناخته می‌شود.

عباس کیارستمی: در حراج پیش رو هم‌چنین عکسی از عباس کیارستمی از مجموعه «سفید برفی» بین یک تا یک و نیم میلیارد تومان قیمت‌گذاری شده است.



«خاطرات انهدام» از آیدین آغداشلو



اثری بدون عنوان از محمد احصایی

نوستالژی حافظ

نگاهی به حضور پیدا و پنهان حافظ در داستان‌نویسی معاصر

محمد کشاورز و علی‌اصغر شیرزادی در آن نقش داشتند. از این منظر، حافظ بخشی از «حافظه شهری» شیراز نیز محسوب می‌شود. حافظیه، باغ‌ها، غزل، بهارنارنج، موسیقی و آیین‌های مربوط به حافظ، مجموعه‌ای از نشانه‌هایی هستند که می‌توانند در داستان به عناصر روایی تبدیل شوند. به همین دلیل است که در داستان یک نویسنده شیرازی، حتی وقتی حافظ مستقیماً موضوع روایت نیست، ممکن است حضور او در لایه‌های فرهنگی و زبانی داستان احساس شود. یکی از داستان‌نویسانی که جغرافیای شیراز در آثارش نمودی عینی دارد و موقعیت مکانی در نقش کاراکتر قرار می‌گیرد، صمد طاهری است که همواره در داستان‌هایش گریزی به شیراز می‌زند.

طاهری در گفت‌وگو با ایننا گفته: «در داستان‌های من حافظ نقش غیرمستقیم دارد. نگرش‌های حافظ در همه داستان‌های من به‌نوعی هست، در زیر لایه‌های پنهان داستان. در داستان «خروس» شاید بشود گفت پرنگتر از مجموعه داستان «زخم شیر» است».

گروه فرهنگ: رابطه جهان حافظ با داستان‌نویسی ایران صرفاً به نقل یک غزل یا اشعارای به فال حافظ محدود نمی‌شود. آن‌چه حافظ را برای داستان‌نویس جذاب می‌کند، بیش از هر چیز، ظرفیت گسترده شعر او برای تأویل، چندمعنایی، بازی با ظاهر و باطن، عشق، زندگی، تقابل زهد و ریا و مواجهه انسان با قدرت و مناسبات اجتماعی است. از همین رو، می‌توان گفت حافظ در ادبیات داستانی معاصر هم «موضوع» است و هم «ابزار روایت». داستان‌نویسان معاصر زمانی که به حافظ رجوع می‌کنند، الزاماً قصد بازگویی زندگی این شاعر قرن هشتم را ندارند، بلکه ممکن است از حافظ برای ساختن یک موقعیت داستانی، شکل دادن به ذهنیت شخصیت یا ایجاد گفت‌وگو میان گذشته و امروز استفاده کنند. این ویژگی از یک واقعیت مهم درباره حافظ سرچشمه می‌گیرد که شعر او امکان خوانش‌های متعدد را فراهم می‌کند. عشق، زندگی، آزادی، اعتراض به ریا و زهدفروشی، مرگ، زندگی و جست‌وجوی حقیقت، مضامینی هستند که به یک دوره تاریخی محدود نمی‌مانند. به همین دلیل است که حافظ هم‌چنان برای نویسنده معاصر سرچشمه الهام مناسبی برای بازآفرینی ادبی است.

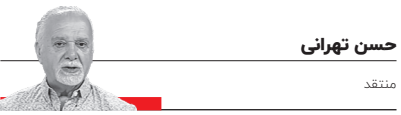
یک جغرافیای ادبی

برای بررسی جایگاه حافظ در داستان‌نویسی ایرانی، نمی‌توان از جغرافیای شیراز چشم‌پوشید. شیراز در ادبیات فارسی تنها یک شهر نیست؛ یک مفهوم ادبی است که سعدی، حافظ و مجموعه‌ای از شاعران و نویسندگان آن را در طول قرن‌ها ساخته‌اند. جریان داستان‌نویسی معاصر فارس نیز از این میراث جدا نیست. بررسی جریان‌شناسی داستان فارس نشان می‌دهد داستان‌نویسی مدرن در این منطقه با نام‌هایی چون سیمین دانشور و ابراهیم گلستان آغاز شد و در نسل‌های بعد نویسندگانی مانند شهریار ممدنی‌پور، ابوتراب خسروی،

گزارش: سینمای ایران

دو چهره نوید

نقش اول روایت‌های متفاوت سینمای اجتماعی ایران



منتقد

سینمای اجتماعی ایران در دهه اخیر، پس از عبور از فرمول‌های تثبیت‌شده درام‌های دادگاهی و اخلاقی، با ظهور نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان وارد فاز جدیدی از دگردیسی شده که بیش از هر چیز خود را در بازنمایی خشن‌تر، صریح‌تر و فرم‌گرایانه‌تر واقعیات جامعه نشان می‌دهد. در میان این چهره‌های نوخاسته، سعید روستایی و هومن سیدی دو قطب مخالف و در عین‌حال جریان‌ساز را شکل داده‌اند که هر یک به شیوه‌ای منحصربه‌فرد، مفهوم «سینمای اجتماعی» را بازتعریف کرده‌اند. تفاوت بنیادین این دو فیلم‌ساز نه در موضوعات انتخابی، بلکه در جهان‌بینی، منبع تغذیه سینمایی و نحوه برخورد آنها با پدیده‌های چون فقر، بزهکاری، طبقه‌فرو دست و فروپاشی روابط انسانی است. سعید روستایی با آثاری چون ابد و یک روز و متری شش و نیم و برادران لیلا، نماینده سینمایی است که ریشه در واقع‌گرایی عریان، نانورالیسم چرک و وفاداری به جغرافیا و ادبیات واقعی کوجه و خیابان‌های تهران دارد؛ سینمایی با دیالوگ‌های پرخاش‌گرانه، ریتم تند تنش‌های خانوادگی و تمرکز

بر طبقه زیر خط فقر که در آن آدم‌ها در بن‌بست‌های معیشتی و اعتیاد، دست‌وپا می‌زنند. در نقطه مقابل، هومن سیدی با آثاری چون آفریقا، سیزده، اعترافات ذهن خطرناک من، خشم و هیاهو، مغزهای کوچک زنگ‌زده و جنگ جهانی سوم، جامعه را از پشت عینک فرم‌گرایی، سینمای ژانر و کهن‌الگوهای بین‌المللی تماشا می‌کند؛ او واقعیت ملموس را به نفع ساختن یک اتمسفر انتزاعی، استیلیزه و تکان‌دهنده مصادره می‌کند تا به‌جای کالبدشکافی یک محله خاص، به مفاهیم کلی‌تری مانند فاشیسم درونی، تولید و بازتولید خشونت و جنون ناشی از قدرت دست یابد.

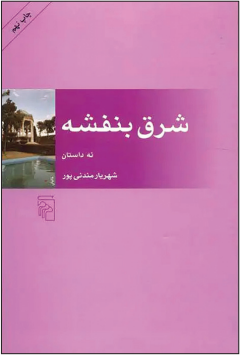
این تفاوت در نگاه به پدیده‌های اجتماعی، خود را در وهله اول در نحوه هدایت بازیگران و زبان گفتاری فیلم‌ها نشان می‌دهد. بازیگری که به‌عنوان مخرج مشترک کارنامه هر دو فیلم‌ساز شناخته می‌شود، نوید محمدزاده است؛ اما حضور او در آثار این دو کارگردان، دو جلوه کاملاً متفاوت از یک بازیگر را پیش چشم مخاطب می‌گذارد. در سینمای روستایی، محمدزاده و دیگر بازیگران در خدمت یک بازی غریزی، پر دیالوگ، برون‌گرایانه و متکی بر جزئیات رفتاری طبقات فرو دست هستند. زبان در فیلم‌های روستایی، زبان واقعی، زنده و جاری در مناسبات روزمره حاشیه‌نشینان است؛ جملاتی تند که در فضای خانه میان اعضای

یکی از این نویسندگان خطه فارس محمد کشاورز است که در کتاب «شیراز: یک شهر، سی‌ویک داستان» مجموعه‌ای از ۳۱ داستان کوتاه را کنار هم قرار داد و شهر شیراز در آن نقش محوری داشت. او در مجموعه جستار «رادیو هنوز یک راز بود» در «پنج‌گاه حافظ» روایتی خواندنی از نوجوانی خود و علاقه‌اش به دیوان حافظ ارائه می‌کند. در این خاطره از روزی می‌گوید که با پدرش راهی بازار وکیل می‌شود و با دیدن یک دیوان حافظ شیفته آن شده و پدر را وادار می‌کند این دیوان را برای او بخرد. «رادیو هنوز یک راز بود» نه‌تنها روایتی است از زندگی یک نویسنده، بلکه به تفسیر عمیقی از نقش و اهمیت داستان و ادبیات در زندگی انسان می‌پردازد. کشاورز به این‌ا می‌گوید: «شاید به‌طورمستقیم نتوان تعریفی از کارکرد حافظ در داستان‌های من و یا داستان‌نویس فارسی به دست داد. اما نمی‌توان منکر تأثیر ذهن و زبان و نگاه حافظ بر جریان ادبی بعد از او تا امروز شد. آن همه نازک‌اندیشی و ایجاز و ابهام قربات بسیاری با شیوه نوشتن داستان کوتاه مدرن دارد، آن‌چه را می‌گوئیم «آن» داستانی بیش از هر متنی در شعرهای حافظ می‌توان یافت».

میراثی که نمی‌توان نادیده گرفت

در میان نویسندگان معاصر شیراز، شهریار مندنی‌پور نمونه جالبی است؛ نه فقط به دلیل استفاده مستقیم از حافظ در «شرق بنفشه»، بلکه به دلیل نوع نگاهش به زبان و ادبیات کلاسیک. مندنی‌پور سال‌هایی را در مرکز تحقیقات حافظ و کتاب‌خانه ملی فارس فعالیت کرده است؛ موضوعی که نسبت او با فضای حافظ‌پژوهی و میراث ادبی شیراز را پرنرگتر می‌کند.

مجموعه داستان «شرق بنفشه» که در سال ۱۳۷۷ منتشر شد، نمونه‌ای روشن از پیوند میان حافظ، شیراز و داستان معاصر است. در این مجموعه، حافظ تنها یک نام تاریخی نیست و در یکی از داستان‌ها به‌عنوان شخصیت حضور پیدا



خانواده ردوبدل می‌شود و ریتم درام را جلو می‌برد. برای درک این تفاوت لحن، می‌توان دو سکانس کلیدی از حضور نوید محمدزاده را در آثار این دو فیلم‌ساز کالبدشکافی کرد. در فیلم «ابد و یک روز» ساخته روستایی، سکانس معروفی وجود دارد که شخصیت محسن (با بازی محمدزاده) در آستانه لو رفتن مواد مخدرش، در میان جیغ و فریادهای اهل خانه و در فضایی به‌شدت شلوغ و پرتنش، با برادرش مرتضی وارد یک ستیز کلامی عریان می‌شود. در این سکانس، دوربین روستایی کاملاً در خدمت واقعیت مستندگونه است؛ میزانشن شلوغ، دیالوگ‌ها متکی بر تکرار، قسم خوردن‌ها و اسلنگ‌های واقعی کف خیابان است و بازیگر تمام انرژی فیزیکی و تارهای صوتی خود را به‌کار می‌گیرد تا درماندگی و خشم طبقه فرودست را در یک جغرافیای واقعی و شناسنامه‌دار به نمایش بگذارد. هیچ امری استیلیزه نیست و همه‌چیز عطر و بوی یک فاجعه خانگی ملموس را دارد.

در نقطه مقابل، کالبدشکافی سکانس مواجهه شخصیت شاهین (با بازی محمدزاده) با برادرش شکور در فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده» ساخته هومن سیدی، دنیای متفاوتی را آشکار می‌کند. در سکانسی که شاهین متوجه رازهای پشت پرده باند برادرش می‌شود و در یک فضای تاریک و طراحی‌شده در تضاد با نورهای تند، مقابل او می‌ایستد، هدایت بازیگر توسط سیدی کاملاً هندسی و کنترل‌شده است. بازی محمدزاده در اینجا دیگر برون‌گرا و متکی بر فریادهای رنالیستی نیست؛ بلکه نوعی لکت تعدمی، مستخ‌شدگی، بازی با فرم بدن و غلو در میمیک صورت دیده می‌شود که بیشتر به کاراکترهای سینمای نوآر یا سایکودرام‌های

شناسه آگهی ۲۲۹۶۹۲۷

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی

شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان در نظر دارد تجدید مناقصه خرید برقگیرهای ۴۰۰ کیلوولت پستهای انتقال شرکت برق منطقه ای آذربایجان را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان شماره ۲۰۰۵۰۱۱۱۹۰۰۰۷۱ آدرس الکترونیکی www.setadiran.ir برگزار نماید.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۹۰،۸۴۱،۹۹۸،۸۹۲ بحروف (نوزده میلیارد و هشتاد و چهار میلیون و یکصدو نود و نه هزار و هشتصد و نود و دو ریال) بصورت ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی بحساب سبیا به شماره ۴۰۰۱۱۰۴۴۴۰۰۱۱۰۴۴۴۰۰۱۱۰۴۴۴۰۰۱۱ IR نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی بنام شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

بهای فروش اسناد مناقصه: ۲۰۰،۰۰۰ ریال (دویست هزارریال)

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

جدول زمانی انجام مناقصه	
شروع فروش اسناد	از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۱
مهلت دریافت اسناد	تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۶
مهلت بازگذاری پیشنهادات سامانه ستاد	تا ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۲
بازگشایی پاکات	ساعت ۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۲
جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۲۴-۲۱-۴۱۹۲۴ تماس حاصل فرمایند.	
جهت اخذ اطلاعات بیشتر به ساینهای زیر مراجعه و یا شماره تلفن ۰۲۱-۷۲۳۲۳-۳۱۰ آدرس www.tavanir.org.ir www.lets.nporg.ir www.azrec.co.ir www.setadiran.ir	

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای آذربایجان

گزارش: سینمای ایران

آخرین پلان خدا حافظی با داریوش عیاری فیلم‌بردار سینمای ایران

روز گذشته داریوش عیاری، فیلم‌بردار قدیمی سینمای ایران، در قطعه هنرمندان بهشت زهرا و با حضور جمعی از دوستان و همکارانش به خاک سپرده شد. او متولد ۱۳۲۵ در اهواز و برادر بزرگ‌تر کیانوش عیاری، فیلم‌ساز مطرح ایرانی بود. داریوش عیاری را می‌توان فیلم‌بردار ثابت کارهای برادرش کیانوش دانست، هرچند در کارنامه‌اش حضور در ۴۰ فیلم سینمایی دیده می‌شود. او که از دانش‌آموختگان سینمای آزاد اهواز در دهه ۵۰ بود، علاوه بر فیلم‌برداری کارهای کیانوش عیاری، با کارگردانیی چون محمدعلی طالبی، جلال مقدم، سیروس الوند، سیامک شایقی، جمشید حیدری، سعید امیرسلیمانی، علی سجادی حسینی، احمدرضا درویش، کیومرث پوراحمد، عباس رافعی، جمشید آهنگرانی، رسول صدرعاملی، منیژه حکمت، مرضیه برومند، مسعود کرامتی، ابراهیم وحیدزاده و فرزاد موتمن نیز همکاری کرده است. از مهم‌تر سن فیلم‌هایی که داریوش عیاری به‌عنوان مدیر فیلم‌برداری و فیلم‌بردار در آنها حضور داشته، می‌توان به «خط پایان» ۱۳۶۴، «شیخ کرم» ۱۳۶۵، «آن‌سوی آتش» ۱۳۶۶، «روز باشکوه» ۱۳۶۷، «خواهران غریب» ۱۳۷۴، «دختری با کفش‌های کتانی» ۱۳۷۷، «زن‌دان زنان» ۱۳۷۹، «صداها» ۱۳۸۶، «خانه پدری» ۱۳۸۹ و «کانایه» ۱۳۹۵ اشاره کرد.

عیاری فعالیت سینمایی خود را بسیار پیش‌تر از ورود به سینمای حرفه‌ای آغاز کرده بود. او از چهره‌های فعال سینمای آزاد اهواز بود، جریانی که در دهه ۵۰ فرصتی برای تجربه‌کردن سینما خارج از ساختار رسمی تولید فیلم فراهم کرده بود و بسیاری از فیلم‌سازان آن دوره کار خود را از همین مسیر آغاز کردند. داریوش عیاری در کنار کیانوش عیاری از چهره‌های شناخته‌شده سینمای آزاد جنوب بود و در ساخت فیلم‌های کوتاه ۸ میلی‌متری این جریان نیز فعالیت داشت. در واقع، رابطه او با دوربین و سینما به سال‌ها پیش از آغاز حرفه‌ای کارش در «توره دیو» بازمی‌گشت و تجربه‌ای که بعدها در سینمای حرفه‌ای به‌کار گرفت، در همان سال‌ها شکل گرفته بود.

در سال ۱۳۴۸ نیز پدر خانواده برای داریوش یک دوربین سوپر ۸ خرید؛ دوربینی که قرار بود برای ثبت سفرها و اتفاقات خانوادگی مورد استفاده قرار گیرد، اما خیلی‌زود به وسیله‌ای برای تجربه‌های سینمایی دو برادر تبدیل شد. کیانوش عیاری بعدها در گفت‌وگویی با مجله فیلم در

سال ۱۳۸۰ از تجربه‌های مشترک خود و داریوش با این دوربین گفته و حتی از دکوپاژ کردن صحنه‌های ساده خانوادگی برای ساخت تصاویر سینمایی یاد کرده بود. این تجربه‌ها نشان می‌دهد همکاری دو برادر بسیار پیش‌تر از ورودشان به سینمای حرفه‌ای شکل گرفته بود. داریوش عیاری البته تنها یک فیلم‌بردار فنی نبود و در سال‌های فعالیتش در سینمای آزاد، نگاه و دیدگاه مشخصی نسبت به سینما داشت. او در بولتن شماره دوم سینمای آزاد، یادداشتی با عنوان «تکلیف من با سینمای آزاد چیست؟» منتشر کرد که بعدها در پژوهش‌های مربوط به تاریخ این جریان نیز مورد توجه قرار گرفت. عیاری در این نوشته به تغییرات سینمای آزاد و فاصله گرفتن آن از فضای تجربه‌گرایی اولیه انتقاد کرده بود. همین نوشته نشان می‌دهد که او در همان سال‌های جوانی نیز نسبت به ساختار و مسیر سینما و شرایط تولید فیلم نگاه انتقادی داشت و فعالیتش صرفاً به کار فنی با دوربین محدود نمی‌شد. ورود داریوش عیاری به سینمای حرفه‌ای با «توره دیو» به کارگردانی کیانوش عیاری در سال ۱۳۶۴ رقم خورد. پس از آن، همکاری دو برادر ادامه پیدا کرد و فیلم‌هایی چون «شیخ کرم»، «آن‌سوی آتش»، «روز باشکوه»، «دو نیمه سیب»، «راز مینا»، «صداها»، «خانه پدری»، «کانایه»، «جاده قدیم» و «ویلاي ساحلی» از جمله آثاری بودند که داریوش عیاری در مقام فیلم‌بردار یا مدیر فیلم‌برداری در آنها حضور داشت. این همکاری طولانی، داریوش عیاری را به یکی از نزدیک‌ترین فیلم‌برداران به زبان سینمایی کیانوش عیاری تبدیل کرد. با این‌حال، کارنامه او به سینمای کیانوش محدود نماند؛ «خواهران غریب» به کارگردانی کیومرث پوراحمد، «دختری با کفش‌های کتانی» ساخته رسول صدرعاملی، «زن‌دان زنان» و «سه زن» ساخته منیژه حکمت و «این سیب هم برای تو» ساخته سیروس الوند از دیگر فیلم‌هایی هستند که او در آنها پشت دوربین قرار گرفت. حضور در فیلم‌هایی با فضا و گونه‌های متفاوت، از فیلم‌های اجتماعی و شهری تا آثار خانوادگی و کودک، نشان می‌دهد که عیاری توانست زبان تصویری خود را با جهان کارگردان‌های مختلف هماهنگ کند.

در میان آثار او، «خانه پدری» یکی از مهم‌ترین نمونه‌های همکاری‌اش با کیانوش عیاری محسوب می‌شود؛ فیلمی که بخش عمده اتفاقات آن در فضای یک خانه می‌گذرد و روایتش در طول چند دهه ادامه پیدا می‌کند. عیاری در این فیلم نیز در مقام مدیر فیلم‌برداری حضور داشت و بار دیگر در کنار برادرش قرار گرفت. در سال‌های فعالیت داریوش عیاری، کمتر درباره خودش صحبت شد و نامش اغلب در کنار نام کارگردانسان فیلم‌هایی که فیلم‌برداری کرده بود، قرار گرفت. شاید به همین دلیل است که با وجود حضور در نزدیک به ۴۰ فیلم سینمایی، بخش مهمی از مخاطبان سینما او را بیش از هر چیز با همکاری طولانی‌اش با کیانوش عیاری می‌شناسند. اما امروز کارنامه او نشان می‌دهد که داریوش عیاری بخشی از تاریخ فیلم‌برداری سینمای ایران از دهه ۶۰ تا سال‌های اخیر را با خود همراه داشته است.

همکاران قدیمی او نیز از داریوش عیاری به‌عنوان چهره‌ای باسواد، فنی و بی‌ادعا یاد کرده‌اند. در یکی از گفت‌وگوهای مربوط به سینمای آزاد اهواز، یکی از سینماگران آن دوره درباره داریوش عیاری گفته بود که او در اهواز «تنها کسی بود که مورد احترام همه ما بود و همه او را دوست داشتیم». در مراسم خاکسپاری او نیز جمعی از سینماگران ازجمله همایون اسعدیان، رسول صدرعاملی، محمود کلاری، بهرام بدخشانی و محمد آلا‌دپوش حضور داشتند و از جایگاه او در سینمای ایران و ویژگی‌های شخصیتی‌اش یاد کردند. داریوش عیاری در ۸۰ سالگی درگذشت؛ فیلم‌برداری که بخش قابل‌توجهی از عمر خود را پشت دوربین گذراند و در سکوت، در شکل‌گیری تصویر ده‌ها فیلم سینمای ایران نقش داشت. شاید مهم‌ترین میراث او نه یک فیلم یا یک قاب مشخص، بلکه مجموعه‌ای از همکاری‌ها باشد که از سینمای آزاد اهواز آغاز شد و تا سال‌های پایانی فعالیت حرفه‌ای‌اش ادامه پیدا کرد؛ مسیری که او را از دوربین سوپر ۸ و فیلم‌های تجربی به یکی از فیلم‌برداران باسابقه سینمای ایران رساند.

عنوانی که از همان ابتدا مخاطب را میان یک تصویر شاعرانه و یک شخصیت انسانی قرار می‌دهد. گویی نویسنده می‌خواهد از حافظ تثبیت‌شده در حافظهٔ عمومی فاصله بگیرد و او را دوباره به جهان زندگی و تجربه بازگرداند.

«سرو سفید یا حافظ ناصر» را می‌توان در کنار «شرق بنفشه» به‌عنوان دو تجربه متفاوت در داستان‌نویسی معاصر دربارهٔ حافظ قرار داد. در «شرق بنفشه»، حافظ بیشتر در مقام یک حضور فرهنگی و ادبی وارد جهان داستان می‌شود؛ حافظیه، کتاب‌خانه، دیوان حافظ و شعر او با عشق و زندگی شخصیت‌های معاصر پیوند می‌خورند. اما در «سرو سفید یا حافظ ناصر»، داستان‌نویس یک گام جلوتر می‌رود و می‌کوشد خود حافظ را در مقام شخصیت ادبی بازسازی کند. این تفاوت، نکته مهمی را درباره جایگاه حافظ در داستان ایرانی آشکار می‌کند: حافظ می‌تواند هم متن باشد، هم مکان، هم نشانه فرهنگی و هم شخصیت داستانی.

«سرو سفید یا حافظ ناصر» هم‌چنین نشان می‌دهد حافظ برای داستان‌نویس معاصر دیگر صرفاً یک شاعر کلاسیک نیست که باید زندگی‌نامه‌اش را بازگو کرد. او شخصیتی است که می‌توان درباره‌اش تخیل کرد، با او گفت‌وگو کرد و حتی جهان پیرامونش را دوباره ساخت. این اتفاق، حافظ را از محدودهٔ ادبیات کلاسیک بیرون می‌آورد و او را وارد قلمرو رمان و داستان معاصر می‌کند. حضور حافظ در داستان معاصر را نباید صرفاً نوعی بازگشت نوستالژیک به گذشته دانست. در نمونه‌هایی مانند «شرق بنفشه»، ادبیات کلاسیک نه در برابر ادبیات مدرن، بلکه در کنار آن قرار می‌گیرد. «بوف کور» در کنار «دیوان حافظ» و «آنا کارنینا» در کنار «خمسسه نظامی» قرار می‌گیرد و متن داستان به محل برخورد این میراث‌ها تبدیل می‌شود. این همان نقطه‌ای است که حافظ از یک شاعر کلاسیک به یک «متن زنده» تبدیل می‌شود. تا زمانی که مفاهیمی مانند عشق، رندی، آزادی، ریا، قدرت، تنهایی و جست‌وجوی حقیقت همچنان موضوع ادبیات هستند، امکان گفت‌وگو با حافظ نیز از بین نخواهد رفت. آن‌چه تغییر می‌کند، شیوهٔ این گفت‌وگوست. نویسنده امروز ممکن است دیگر مانند نویسنده نسل‌های پیشین مستقیماً از حافظ نقل قول نکند. شاید حافظ را در قالب یک شخصیت بازسازی کند، شاید جهان او را به یک فضای شهری تبدیل کند یا حتی از تضاد میان حافظ تاریخی و حافظی که در ذهن جامعه ساخته شده است، داستانی تازه بسازد.



روستایی خط فکری خود را از سنت دیرپای سینمای واقع‌گرای اجتماعی ایران، به‌ویژه مستندهای اجتماعی دهه چهل و پنجاه و فیلم‌سازی که بحران را در بستر واقعیت عریان تهران کالبدشکافی می‌کردند، وام می‌گیرد. سینمای او، ارزش خود را در کشف درام از دل واقعیت‌های ملموس کوچه و بازار می‌داند. در نقطه مقابل، هومن سیدی از نخستین فیلمش «آفریقا» تا امروز، فرزند خلف سینمای مدرن جهان، فیلم‌های نوآر، تریلرهای روان‌شناختی و آثار کارگردانان جریان‌ساز فستیوالی نظیر کوئنتین تارانتینو، دیوید فینچر و سینمای تریلر کره‌جنوبی است. او ابایی ندارد از اینکه فرم بصری، شیوه نورپردازی، تدوین دینامیک و حتی پیرنگ داستان‌هایش یادآور آثار جنایی جهان باشد. سیدی سینما را از طریق خود سینما تجربه می‌کند؛ او ابتدا فرم، ژانر و زیبایی‌شناسی تصویر را انتخاب می‌کند و سپس دغدغه‌های اجتماعی، فقر و خشونت جامعه ایران را در قالب این ژانرف بین‌المللی می‌ریزد. این تضاد آشکار، سینمای نوین اجتماعی ایران را به میدان جذابی برای تقابل ناآوارالیسم وفادار به خاک و جغرافیا، در برابر فرم‌گرایی استیلیزه و جهان‌وطن تبدیل کرده است.



بازآفرینی حافظ در قالب رمان

اگر «شرق بنفشه» شهریار مندنی‌پور نمونه‌ای از حضور حافظ و حافظیه در ساختار داستان معاصر باشد، «سرو سفید یا حافظ ناصر» نوشتهٔ ناصر قلمکاری را می‌توان نمونه‌ای روشن‌تر از تلاش داستان‌نویس برای بازآفرینی خود حافظ در قالب یک روایت داستانی دانست. این کتاب به زندگی حافظ شیرازی می‌پردازد، اما نویسنده در پی نگارش یک زندگی‌نامه تاریخی به معنای متعارف آن نیست. معرفی کتاب تأکید می‌کند که قلمکاری با مطالعه منابع مختلف دربارهٔ حافظ، ازجمله آثار حافظ‌پژوهانی چون محمد معین و محمدرضا شفیعی کدکنی، و با تکیه ویژه بر دیوان حافظ، کوشیده روایتی داستانی و قصه‌گونه از زندگی شاعر ارائه کند. اهمیت این انتخاب در بحث ما از آن جهت است که داستان‌نویس در اینجا با یک چهره شناخته‌شده و تقریباً أسطوره‌ای روبه‌روست؛ شخصیتی که اطلاعات تاریخی درباره زندگی‌اش محدود و در کنار آن، روایات و افسانه‌های فراوانی پیرامون او شکل گرفته است. بنابراین، نویسنده برای تبدیل حافظ تاریخی به شخصیت داستانی ناچار است میان سند، تخیل و جهان شعر حافظ حرکت کند. در «سرو سفید یا حافظ ناصر»، حافظ نه فقط صاحب دیوانی مشهور، بلکه انسانی در متن زمانه خویش است؛ انسانی که در فضای اجتماعی و سیاسی شیراز روزگار خود زندگی می‌کند و با آدم‌ها، قدرت، عشق، خطر و مناسبات زمانه مواجه است. همین تبدیل «شاعر» به «شخصیت» یکی از مهم‌ترین اتفاقات در روند ورود حافظ به ادبیات داستانی است. از این منظر، عنوان کتاب نیز قابل تأمل است: «سرو سفید یا حافظ ناصر»؛



فرزگی شباهت دارد. لحن گفتار در اینجا بازتاب مستقیم مکالمات روزمره خیابان نیست، بلکه یک زبان سینمایی بازنویسی‌شده است که قرار است حس یک دنیای گنگستری غریب را بسازد. در حالی‌که روستایی به بازیگرش میدان می‌دهد تا با هیاهو فضا را اشغال کند و حس خفقان واقعیت را بازتولید کند، سیدی از فیزیک و سکوت بازیگرش به‌عنوان ایزاری گرافیکی در خدمت قاب‌بندی‌های به‌شدت استیلیزه استفاده می‌کند.

ابعاد این تقابل ساختاری در نحوه بازنمایی فقر و طبقه فرودست عمیق‌تر می‌شود. برای سعید روستایی، فقر یک بن‌یست ملموس، خانوادگی و اقتصادی است که آدم‌ها در آن، درگیر روابط عاطفی پیچیده، حسادت‌ها، فداکاری‌ها و خیانت‌های ناگزیر روزمره هستند. در جهان او و به‌ویژه در «برادران لیل»، فقر با جزئیاتی چون تلاش برای خرید سسکه، پنهان کردن طلا، بدهی‌های بانکی و حرمت‌های شکسته‌شده میان پدر و فرزندان هویت می‌یابد؛ فرودستان روستایی، با وجود تمام بزهکاری‌ها، هنوز به نهاد خانواده متصل هستند و بحران عاطفی آنها، تماشاگر را به عمق فاجعه پیوند می‌زند. اما برای

شناسه آگهی ۲۲۹۶۹۱۹

آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)

شماره ۰۱۴۰۰۳۰۰۰۱۷۲ مورخ۱۴۰۵/۷/۱۵ مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت
شماره ۱۸۵ سال ۱۴۰۵

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی در نظر دارد عملیات مربوط به : **اجرای عملیات اصلاح**

– بازسازی و استانداردسازی انشعابات شبکه توزیع آب شهرستان مرند از محل اعتبارات غیر عمرانی

و از طریق مناقصه (عمومی) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد شرایط و دارای رتبه آب واگذار نماید.
کلیه مراحل مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد
پدیهی است هزینه آگهی از برنده مناقصه اخذ خواهد شد.

الف) به پیشنهادهای فاقد امضاء ، مشروط ، مخدوش ، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد

ب) مبلغ برآورد اولیه معادل: ۵۴۸۵۸/۵۴۲۲۲ ریال

ج) مبلغ سپرده تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار معادل: ۲۷۴۲/۱۴۱۶۱ ریال می باشد.

د) مدت اجرای کار: ۱۲ ماه

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۷/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۲۱



شرکت آب و فاضلاب
استان آذربایجان شرقی

ه) دستگاه نظارت: مدیر دفتر مدیریت مصرف و کاهش هدر رفت آب

و) سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

ز) پیشنهاد دهنده مکلف است معادل مبلغ سپرده ، تضمین های معتبر تسلیم یا مبلغ مذکور را به حساب بانکی شرکت واریز و حسب مفاد اسناد مناقصه ضمانت نامه یا رسید واریز وجه را بصورت اصل در وقت مقرر در اسناد به کارفرما تسلیم نماید
به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.سایت www.abfaazarbaijan.ir

مهلت فروش اسناد از تاریخ درج آگهی لغایت ساعت مورخ۱۴۰۵/۷/۲۱

آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات در سامانه ستادایران ساعت ۸صبح مورخه ۱۴۰۵/۸/۳

زمان و تاریخ بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد ایران ساعت ۱۳صبح مورخ۱۴۰۵/۸/۳

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

سال نهم شماره ۲۳۵۰
دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

رکورد سرخ

رکوردشکنی معاملات همزمان با خروج پول چه پیامی برای بازار سهام دارد؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بوسرس در روزی که بیشترین ارزش معاملات گزارش‌شده خود را ثبت کرد، توانست خریداران را برنده نهایی بازار کند. گردش نزدیک به ۷۳ هزار میلیارد تومان در معاملات خرد همزمان با عقب‌نشینی شاخص‌ها و خروج پول حقیقی رقم خورد؛ ترکیبی که نشان می‌دهد، بازار بیش از آنکه بر سر ادامه صعود اتفاق‌نظر داشته باشد به صحنه رویارویی سنگین خریداران و فروشندگان تبدیل شده است. عرضه‌های گسترده در نیمه دوم معاملات، مسیر بسیاری از سهم‌ها را تغییر داد و بازگشت تقاضا در دقایق پایانی نیز تنها توانست بخشی از فشار فروش را مهار کند. معاملات یک‌شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۵ با افت ۲۲ هزار و ۵۹۷ واحدی شاخص کل پایان یافت. این نماگر با کاهش ۲۷/۲ درصدی در سطح ۸ میلیون و ۲۴۲هزار و ۸۸۱ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز ۷ هزار و ۲۹۷ واحد معادل ۳۴/۳ درصد، عقب نشست و به دو میلیون و ۱۶۵ هزار و ۲۲۷ واحد رسید. افت بیشتر شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد، فشار عرضه در سهم‌های کوچک‌تر نیز محسوس بوده و کاهش بازار صرفاً به جابه‌جایی قیمت چند شرکت بزرگ محدود نمانده است. در پایان روز ۵۳۴ نصد منفی و ۲۳۳ نصاد مثبت بودند؛ بنابراین حدود ۶۲ درصد نمادهای این مجموعه، معاملات را در محدوده منفی به پایان رساندند.

شروع بازار نسبتاً متعادل بود اما این تعادل در نیمه دوم معاملات دوام نیاورد. افزایش عرضه، تعدادی از سهم‌های مثبت را به محدوده منفی کشاند و حتی برخی صف‌های خرید، جای خود را به صف فروش دادند. سرعت تغییر وضعیت نمادها نشان می‌داد، فروشندگان برای عرضه سهام جدیت بیشتری پیدا کرده‌اند. با این حال در نیم ساعت پایانی، تقاضا دوباره تقویت شد و بخشی از صف‌های فروش جمع شد. این واکنش از وجود خریدار در قیمت‌های پایین‌تر حکایت دارد اما برای اعلام پایان فشار عرضه کافی نیست؛ زیرا بسیاری از نمادها همچنان با کاهش قیمت بسته شدند. مهم‌ترین عدد روز، ارزش معاملات خرد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی بود که به ۷۲ هزار و ۸۶۹ میلیارد تومان رسید. این رقم از رکورد حدود ۶۷ هزار میلیارد تومانی روز ۲۵ شهریور عبور کرد و نزدیک به ۸/۸ درصد بالاتر از آن قرار گرفت. حجم معاملات این گروه نیز ۱۱۸ میلیارد سهم گزارش شد. رکورد تازه از افزایش چشمگیر فعالیت معاملاتی حکایت دارد اما نباید آن را معادل ورود پول تازه یا تأیید قطعی روند صعودی دانست. هر معامله، هم فروشنده دارد و هم خریدار؛ ارزش بالای دادوستد می‌تواند در روزهای روتق، اصلاح یا تغییر ترکیب سهامداران ثبت شود. در کنار این رکورد، خروج ۴ هزار و ۸۰۸ میلیارد تومان پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی، نشانه مهم دیگری بود. این رقم بیانگر برتری فروش حقیقی‌ها بر خرید آنها در گروه یادشده است نه خروج همین مقدار نقدینگی از کل اقتصاد یا ناپدید شدن پول از سرازوکار معاملات. سرانه خرید ۹۶میلیون تومان و سرانه فروش ۱۲۷ میلیون تومان بود؛ به این معنا که متوسط فروش هر فروشنده حدود ۳۲/۱ برابر متوسط خرید هر خریدار بوده است. این فاصله همراه با منفی شدن جریان پول حقیقی، نشان می‌دهد افزایش گردش معاملات با قدرت بیشتر فروشندگان همراه شده است. تابولی سفارش‌ها نیز تصویری چندوجهی داشت. ارزش سفارش‌های خرید به ۶ هزار و ۱۳۳ میلیارد تومان رسید و ارزش سفارش‌های فروش حدود ۳ هزار و ۸۲۴ میلیارد تومان بود. با وجود برتری مبلغ سفارش‌های خرید، تعداد صف‌های فروش با ۲۹۹ مورد از ۲۰۱ صف خرید بیشتر بود. این تفاوت می‌تواند از تمرکز سفارش‌های خرید در شماری از نمادها ناشی شود. افزون بر این، سفارش ثبت شده الزاماً به معامله تبدیل نمی‌شود؛ بنابراین مبلغ سفارش‌ها را باید در کنار معاملات انجام شده، گسترده‌گی تقاضا و وضعیت صف‌ها بررسی کرد نه به‌عنوان نشانه مستقل برتری خریداران. صندوق‌های درآمد ثابت نیز خروج هزار و ۹۷۸ میلیارد تومان پول را ثبت کردند. خروج همزمان از این صندوق‌ها و بخش سهامی، اجازه نمی‌دهد روایت ساده انتقال منابع از درآمد ثابت به سهام را مبنای تحلیل قرار دهیم. مقصد منابع با این داده‌ها مشخص نیست. برای ارزیابی روزهای آینده سه متغیر اهمیت بیشتری دارد: تداوم ارزش معاملات، تغییر جریان پول حقیقی و توان بازار در جذب عرضه‌های تازه. اگر گردش بالای معاملات با کاهش خروج پول و گسترش نمادهای مثبت همراه شود، می‌توان از تقویت تقاضا سخن گفت. اما تکرار معاملات سنگین همراه با خروج پول، نشانه دوم فشار فروش خواهد بود. رکورد دیروز، ظرفیت بالای دادوستد را نشان داد؛ جهت بعدی بازار هنوز به نتیجه این کشمکش وابسته است.

توسعه

ادامه تیتربیک

دور زدن هرمز

گزارش‌ها نشان می‌دهد، گازوئیلی که قرار است از روسیه به بازار آمریکا برسد پیش از رسیدن به مخازن سوخت، پیش از آن که تاثیری در ایران داشته باشد، آتش اختلاف میان واشنگتن و اکراین را شعلهور کرده است. دونالد ترامپ توافق با ولادیمیر پوتین را راهی برای کاهش هزینه زندگی آمریکایی‌ها معرفی می‌کند. ولودیمیر ژلنسکی آن را امتیازی به کشوری می‌داند که همچنان علیه اوکراین می‌جنگد. اختلاف زمانی تدرت‌شد که ترامپ در واکنش به اعتراض رئیس‌جمهور اوکراین و ادامه حملات این کشور به پالایشگاه‌های روسیه، خواستار روی کار آمدن رهبری تازه در کی‌یف شد. به گزارش تایمز اسرائیل، او روز شنبه، دهم اکتبر، ژلنسکی را به ایجاد مشکل برای کشاورزان و دامداران آمریکایی متهم کرد و گفت، اوکراین باید رهبری پیدا کند که بتواند توافق کند. به این ترتیب معامله‌ای برای تأمین سوخت به مناقشه‌ای درباره آینده رهبری اوکراین تبدیل شد. روایت مبادله از اعلام ترامپ در روز جمعه، نهم اکتبر، آغاز شد. مطابق گزارش شبکه خبری آی‌تی‌وی، برنامه اعلام شده شامل عرضه فوری بیش از ۳۰۰ هزار تن گازوئیل روسیه سپس ۵۰۰ هزار تن در نوامبر یک میلیون تن پس از آن و ۳ میلیون تن دیگر در مرحله بعد است. مجموع این وعده‌ها به حدود ۴/۸ میلیون تن می‌رسد. با این حال باید میان حجم اعلام شده، محموله‌های واقعاً بارگیری شده و سوخت تحویل داده شده تفاوت گذاشت. همچنین مقصد اعلامی «بازار آمریکا و جهان» است. بنابراین نمی‌توان تمام این مقدار را واردات قطعی آمریکا دانست. آنچه فعلاً روشن است، تصمیم واشنگتن برای باز کردن مسیر فروش گازوئیل روسیه و وعده مسکو برای تأمین محموله‌های متوالی است. به گزارش رویترز دولت آمریکا همزمان محدودیت‌های مربوط به گازوئیل روسیه را موقتاً تسهیل کرد و وزارت خزانه‌داری، مجوز واردات را تا هفتم آوریل صادر کرد. این تصمیم در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر گرفته شده است. همان گزارش، متوسط قیمت گازوئیل آمریکا را حدود ۶/۲۸ دلار برای هر گالن و افزایش آن از آغاز جنگ ایران را حدود ۷۰ درصد اعلام می‌کند. قراردادهای آتی گازوئیل پس از انتشار خبر نزدیک به ۵ درصد افت کردند؛ واکنشی که نشاددهنده حساسیت بازار به احتمال افزایش عرضه است اما به‌تهایی‌س کاهش پایدار قیمت در جایگاه‌های سوخت را تضمین نمی‌کند. اهمیت گازوئیل از جایگاه آن در گردش کالا ناشی می‌شود. بنزین بیشتر در رفت‌وآمد روزمره خانوارها دیده می‌شود اما گازوئیل در پشت صحنه تولید و توزیع حضور دارد: کامیون‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی، تجهیزات ساختمانی، بخشی از حمل‌ونقل ریلی و دریایی و مولدهای برق به آن وابسته‌اند. اداره اطلاعات انرژی آمریکا این سوخت را یکی از منابع اصلی انرژی حمل‌ونقل و فعالیت‌های صنعتی معرفی می‌کند. بنابراین گرانی گازوئیل فقط مسئله رانندگان کامیون نیست؛ هزینه جابه‌جایی مواد اولیه، برداشت محصول و رساندن کالا به فروشگاه‌را نیز تغییر می‌دهد. سازوکار انتقال این گرانی به سفره مردم ساده است هرچند شدت آن در کالاهای مختلف یکسان نیست. افزایش هزینه سوخت، حاشیه سود حمل‌کننده را کاهش می‌دهد. او تلاش می‌کند، کرایه را بالا ببرد؛ تولیدکننده و فروشنده نیز می‌کوشند، هزینه بیشتر را در قیمت نهایی منعکس کنند. در بازار رقابتی، بخشی از فشار از سود بنگاه کاسته می‌شود؛ در بازارهایی که عرضه محدود است، سهم بیشتری به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. مواد غذایی فسادپذیر، که به حمل منظم و گاه تجهیزات سرمایشی نیاز دارند نسبت به این فشار حساس‌اند. از این منظر گازوئیل یکی از مسیرهای تبدیل بحران انرژی به تورم عمومی است. با این حال مشکل امروز صرفاً کمبود

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

موج تخریب

چگونه تخریب یک پالایشگاه یا کارخانه، خسارت را به سراسر اقتصاد منتقل می‌کند؟

فریده اسکندری
گروه اقتصاد

توقف یک پالایشگاه با خاموش شدن چند دستگاه آغاز می‌شود اما پیامد آن می‌تواند در کرایه کامیون، قیمت نان، هزینه ساخت مسکن و درآمد خانوارها ظاهر شود. کارخانه‌ای که تخریب می‌شود نیز فقط تولید خود را از دست نمی‌دهد؛ سفارش تأمین‌کنندگانش کاهش می‌یابد و مشتریاناش با کمبود مواد اولیه روبه‌رو می‌شوند. اقتصاد مجموعه‌ای از فعالیت‌های بهم‌پیوسته است. آسیب به یک حلقه، بسته به اهمیت آن و امکان جایگزینی محصولش، می‌تواند از محدوده یک بنگاه فراتر برود و به اختلالی گسترده تبدیل شود. نخستین مسیر انتقال خسارت کاهش عرضه است. پالایشگاه نفت خام را به سوخت قابل مصرف تبدیل می‌کند. اگر ظرفیت آن از مدار خارج شود، داشتن نفت بیشتر لزوماً مشکل را حل نمی‌کند؛ نفت باید پالایش شود. کمبود گازوئیل،

بررسی تحولات اقتصادی

نگاه کی‌یف پاداشی پیش از تغییر رفتار مسکو است. سوم، فشار برای توقف حملات به پالایشگاه‌ها، یکی از ابزارهای اوکراین برای تحمیل هزینه به روسیه را محدود می‌کند. نگرانی اصلی فقط پول نیست؛ کاهش قدرت چانه‌زنی نیز هست. در مقابل، استدلال واشنگتن بر پیامد فرامرزی حملات به زیرساخت انرژی تکیه دارد: آسیب به پالایشگاه‌های روسیه می‌تواند، عرضه سوخت را کاهش دهد و هزینه آن به مصرف‌کنندگانی برسد که در جنگ نقش‌ی ندارند. این استدلال اقتصادی قابل فهم است اما پاسخ سیاسی اوکراین نیز روشن است؛ چرا باید فقط یک طرف از حمله به تأسیسات انرژی صرف‌نظر کند؟ به گزارش رویترز، ژلنسکی روز یک‌شنبه، یازدهم اکتبر، اعلام کرد اگر روسیه حملات به زیرساخت انرژی اوکراین را متوقف کند، کی‌یف نیز آماده توقف حملات به پالایشگاه‌های روسیه است. او بر بر متقابل بودن تعهد و وجود تضمین واقعی تأکید کرد.

جایگاه ایران

ایران در این معادله طرف معامله نیست اما جنگ در ایران و اختلال در تگه هرمز از عوامل اصلی شکل‌گیری آن است. محدود شدن دسترسی به نفت و فرآورده‌های خاورمیانه، بازار گازوئیل را تحت فشار گذاشته و دولت آمریکا را به جست‌وجوی عرضه جایگزین، از جمله در روسیه، سوق داده است. گزارش آسوشیتدپرس نیز محدودیت دسترسی به ظرفیت پالایشی خاورمیانه را از دلایل تداوم گرانی سوخت می‌داند.

به عقیده برخی تحلیلگران، نقش ایران از سه مسیر قابل توضیح است؛ اول، انتقال فشار اقتصادی به آمریکا. به‌ی این صورت که اختلال در هرمز، هزینه سوخت، حمل‌ونقل و تولید را افزایش می‌دهد. حتی کشوری که تولیدکننده بزرگ نفت است از افزایش قیمت در بازار جهانی مصون نمی‌ماند.

دوم، افزایش اهمیت روسیه به این دلیل که کمبود سوخت، ارزش عرضه روسیه را برای واشنگتن بیشتر می‌کند. برداشت تحلیلی این است که بحران خاورمیانه به مسکو فرصت داده است از موقعیت تأمین‌کننده انرژی برای کاهش فشار تحریم استفاده کند.

و در نهایت پیوند زدن دو جنگ که برای ما هم اهمیت زیادی دارد. تلاش آمریکا برای مهار پیامدهای اقتصادی جنگ ایران با سیاست فشار اقتصادی بر روسیه اصطکاک پیدا کرده است. اوکراین نگران است، هزینه آرام کردن بازار سوخت آمریکا با کاهش فشار بر کشوری پرداخت شود که علیه آن می‌جنگد. بنابراین بحران ایران زمینه اقتصادی توافق را فراهم کرده اما تصمیم برای امتیاز دادن به روسیه انتخاب واشنگتن است. همچنین نمی‌توان تمام گرانی گازوئیل را به ایران نسبت داد. حملات به پالایشگاه‌های روسیه و محدودیت ظرفیت پالایش نیز در این بازار نقش دارند. برای آینده محتمل‌ترین ارزیابی اقتصادی، تخفیف محدود فشار بازار در صورت اجرای واقعی محموله‌هاست. کاهش ماندگار قیمت به تداوم عرضه و وضعیت ذخایر، فصل مصرف، ظرفیت پالایش و امنیت مسیرهای دریایی وابسته خواهد بود. در سناریوی خوش‌بینانه، توافق سوخت می‌تواند مقدمه توافقی متقابل برای حفاظت از زیرساخت انرژی باشد. چنین ترتیبی هم ریسک بازار را کاهش می‌دهد و هم بخشی از خسارت انسانی جنگ را محدود می‌کند. در سناریوی بدبینانه، آمریکا امتیاز تجاری می‌دهد، روسیه درآمد بیشتری به دست می‌آورد و حملات ادامه پیدا می‌کند. در آن صورت اختلاف واشنگتن با کی‌یف و اروپا احتمالاً عمیق‌تر خواهد شد. آنچه باید در هفته‌های آینده دنبال کرد، فاصله میان وعده و اجراست. چه مقدار گازوئیل بارگیری می‌شود، مقصد واقعی آن کجاست، چه میزان عرضه اضافی ایجاد می‌کند و آیا قیمت خرده‌فروشی کاهش می‌یابد؟ همزمان باید دید آیا امتیاز انرژی با تعهد امنیتی همراه خواهد شد. توافقی که سوخت بیشتری وارد بازار کند و حملات متقابل را کاهش دهد، می‌تواند دستاورد اقتصادی دیپلماتیک داشته باشد. اما اگر تنها مشتری محموله‌ها تغییر کند و جنگ ادامه یابد، منفعت مصرف‌کننده محدود می‌ماند و هزینه سیاسی معامله افزایش پیدا می‌کند. سرنوشت این توافق را همین دو معیار روشن می‌کند: سوخت اضافی واقعی و کاهش واقعی خسونت.

از دو طرف تحت فشار قرار می‌گیرند: کالاها گران‌تر می‌شود و درآمد یا امنیت شغلی کاهش می‌یابد. نتیجه می‌تواند افت مصرف باشد؛ افتی که فروش بنگاه‌های دیگر را نیز محدود می‌کند. تخریب، تراز مالی بنگاه‌ها را هم آسیب‌پذیر می‌کند. کارخانه متوقف شده ممکن است نتواند اقساط و بدهی تأمین‌کنندگان را بپردازد. تأمین‌کننده‌ای که طلبش وصول نمی‌شود، پرداخت‌های خود را عقب می‌اندازد و بانک با افزایش مطالبات معوق مواجه می‌شود. اگر آسیب گسترده باشد، دولت نیز با کاهش درآمد مالیاتی و افزایش هزینه حمایت، واردات و بازسازی روبه‌رو خواهد شد. نحوه تأمین این هزینه‌ها تعیین می‌کند فشار نهایی از مسیر مالیات، بدهی، کاهش خدمات عمومی یا تورم منتقل شود. خسارت بلندمدت تنها ارزش ساختمان و ماشین‌آلات نیست. بازسازی زمان می‌برد و ممکن است با محدودیت تجهیزات، ارز، بیمه یا نیروی متخصص مواجه شود. کارکنان ماهر پراکنده می‌شوند، مشتریان تأمین‌کننده دیگری پیدا می‌کنند و سرمایه‌گذاران پروژه‌های تازه را به تعویق می‌اندازند. با این حال هر تخریبی، کل اقتصاد را گرفتار نمی‌کند. شدت سرایت به سهم بنگاه در عرضه، موجودی انبارها، ظرفیت جایگزین، امکان واردات و مدت توقف وابسته است. اقتصادی با تأمین‌کنندگان متنوع و ذخایر کافی، ضربه را بهتر جذب می‌کند؛ اقتصادی وابسته به چند واحد حیاتی، شکنندتر است. مسئله اصلی، بزرگی کارخانه نیست؛ تعداد فعالیت‌هایی است که ادامه کارشان با آن وابسته مانده است. همین وابستگی، خسارت محلی را به بحران ملی تبدیل می‌کند.

شفادار و روی میز فروش

واگذاری شفادارو با پرسش هایی درباره قیمت و آینده تولید روبهرو شده است

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



بانک ملی ایران می‌خواهد، کنترلر یکی از مجموعه‌های مهم دارویی کشور را واگذار کند؛ تصمیمی که پیش از رسیدن موعد عرضه با درخواست توقف از سوی یک نماینده مجلس روبه‌رو شده است. بانک این اقدام را اجرای تکلیف خروج از بنگاه‌داری می‌داند اما منتقدان درباره قیمت، توان خریدار و تضمین تداوم تولید دارو پرسش دارند. بررسی اطلاعات منتشر شده نشان می‌دهد، اصل برنامه فروش روشن است؛ آنچه هنوز نمی‌توان درباره‌اش داوری قطعی کرد، منصفانه بودن ارزش‌گذاری و کفایت تعهدات مالک آینده است.

چه چیزی واگذار می‌شود؟

طبق اطلاعیه بانک ملی، بازنشر شده در رسانه‌ها، قرار است ۲۵ مهر ۱۴۰۵ حدود ۵۳/۹۰ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری شفادارو با نماد «شفا» در بورس تهران عرضه شود. فروشنده، شرکت مدیریت طرح و توسعه آینده‌پویاست که سهام خود و سهم گروه توسعه ملی را یکجا عرضه می‌کند. موضوع، انتقال کنترلر یک هلدینگ است؛ مجموعه‌ای که با شرکت‌هایی مانند داروسازی دانا، جابر ابن‌حیاب، اسوه، کیمیدارو و پخش رازی در تولید و توزیع دارو حضور دارد. بنابراین نتیجه معامله می‌تواند بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت این زنجیره اثر بگذارد. بانک ملی در توضیح واگذاری به مواد ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید و سیاست خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری استناد کرده

شهر

تثبیت سراسری قیمت‌ها

دولت می‌خواهد طرح شهردار تهران برای تورم صفر درصد را در سراسر کشور اجرا کند. عواقب آن چیست؟

علیرضا زاکانی می‌گوید، طرح «تورم صفر» آنقدر موفق بوده که دولت اجرای آن را برای سراسر کشور تصویب کرده است. شهردار تهران، گسترش برنامه را نشانه درستی تصمیم خود می‌داند؛ برنامه‌ای که از هفتم مهر با وعده ثابت ماندن قیمت ۱۲ قلم کالای اساسی برای ۶ ماه آغاز شد. اکنون بحث از هزینه یک سبد در تهران فراتر رفته و به تأمین کالا و اعتبار برای شهرهای دیگر رسیده است. زاکانی در اظهارات منتشرشده، گفته است: «آنقدر این طرح خوب است که الحمدلله در همین دولت روز یک‌شنبه برای کل کشور تصویب شد». او حمایت معیشتی را بخشی از مقابله با جنگ اقتصادی آمریکا می‌داند. اما تصمیم یک برنامه به سراسر کشور پیش از پایان دوره نخست، آزمونی بزرگ‌تر از راه‌اندازی چند مرکز عرضه است.

دولت چه تصمیمی گرفته است؟

در خبر جلسه ۱۲ مهر هیأت دولت، رئیس‌جمهور دستور تشکیل کمیته‌ای با حضور رئیس بانک مرکزی، وزیر جهاد کشاورزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر کشور و شهردار تهران را داده است. مأموریت این کمیته، تدوین سازوکار تثبیت قیمت کالاهای مشمول کالابرگ و فراهم کردن اجرای هماهنگ آن در کشور است. استفاده از ظرفیت شهرداری‌ها نیز در همین خبر آمده است. این تصمیم پشتوانه همکاری دولت و مدیریت شهری است اما محتوای خبر مأموریت تدوین سازوکار را شرح می‌دهد؛ نه جزئیات اجرای همان بسته تهران در تمام استان‌ها. تفاوت مهمی وجود دارد: پذیرش هدف تثبیت قیمت با تعیین اعتبار، سهمیه، تعهد بانک‌ها و مسئول جبران افزایش هزینه یکسان نیست.

پول فروش برمی‌گردد؛ تمام هزینه هم برمی‌گردد؟

شهرداری برای کاهش قیمت به خرید مستقیم، حذف واسطه‌ها، قراردادهای تأمین و پیش‌خرید تکیه می‌کند. این ابزارها می‌توانند مؤثر باشند؛ خریدار عمده قدرت چانه‌زنی بیشتری دارد و کوتاه شدن زنجیره توزیع، بخشی از هزینه را کاهش می‌دهد. طرح از این منظر امکان اجرا دارد؛ مسئله، دوام قیمت ثابت در دوره افزایش هزینه‌هاست. عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری، در گفت‌وگوی منتشرشده در همشهری می‌گوید منابع، سرمایه در گردش هستند و پس از فروش کالا بازمی‌گردند. او تأکید کرده هیچ مبلغی به‌عنوان هزینه بلاعوض از خزانه شهرداری پرداخت نمی‌شود و چرخه خریدوفروش، خوداتکاست. بازگشت وجه فروش به‌تنهایی

است. استدلال اقتصادی حامیان این است که منابع بانک باید به وظایف بانکی و تأمین مالی بازگردد و مدیریت کارخانه‌ها به سرمایه‌گذاران متخصص سپرده شود. با این حال فروش سهام لزوماً به معنی افزایش فوری وام‌دهی نیست؛ میزان وصول نقدی، وضعیت مالی بانک و نحوه مصرف درآمد فروش تعیین می‌کند چه مقدار از منابع واقعاً برای پرداخت تسهیلات آزاد خواهد شد. در مقابل رضا سسپه‌وند، نماینده خرم‌آباد و چگنی، در نامه‌ای به دیوان محاسبات خواستار توقف واگذاری تا رفع ابهامات شده است. او در گفت‌وگو با خانه ملت، خطر برای تأمین پایدار دارو و احتمال تضییع دارایی‌های عمومی را مطرح کرده و خواسته مستندات وزارت اقتصاد و بانک ملی، همراه با نظر نهادهای مسئول سلامت، بررسی شود. این موضع، درخواست نظارت و توقف است؛ در منابع بررسی شده برای این گزارش، سندی مبنی بر صدور حکم توقف عرضه جدید به دست نیامد.

۴۰ هزار میلیارد تومان؛ قیمت کدام دارایی؟

یکی از کانون‌های اختلاف، رقم حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان است. مطابق جزئیات بازنشر شده از اطلاعیه بورس بیش از ۲ میلیارد و ۴۵۵ میلیون سهم با کف قیمت ۱۶۲ هزار و ۸۳۰ ریال برای هر سهم عرضه می‌شود. حاصل ضرب این دو عدد نزدیک به ۴۰ هزار میلیارد تومان است؛ یعنی حداقل بهای بلوک ۵۳/۹۰ درصدی نه ارزش کارشناسی قطعی تمام شرکت. قیمت پایه همچنین به قیمت پایانی روز قبل از عرضه وابسته است و رقابت خریداران می‌تواند، مبلغ نهایی را افزایش دهد. سسپه‌وند گفته است طبق برخی برآوردها، داروسازی دانا به‌تنهایی ارزشی نزدیک به کل رقم مطرح شده برای شفادارو دارد. اما

در خبر منتشرشده، گزارش کارشناسی پشتیبان این مقایسه ارائه نشده است. برای سنجش ادعای ارزان‌فروشی باید معلوم باشد رقم دانا، ارزش کل شرکت است یا ارزش سهم شفادارو در آن؛ بدهی‌ها چگونه محاسبه شده‌اند و مبنای ارزیابی چیست. مقایسه ارزش کارخانه‌ها، ارزش روز سهام و قیمت یک بلوک مدیریتی، بدون یکسان کردن مبنا، می‌تواند تصویری گمراه‌کننده بسازد. آمار رشد ۱۶۴ درصدی ارزش ریالی تولید زیر مجموعه‌ها در نیمه نخست سال مالی ۱۴۰۵ نیز، که این نماینده به آن استناد کرده، نیازمند همین دقت است. افزایش ارزش ریالی تولید الزماً به معنی افزایش مشابه تعداد داروهای تولیدشده یا سود نیست؛ تغییر قیمت محصولات و ترکیب تولید هم بر آن اثر می‌گذارد. برای ارزیابی عملکرد باید مقدار تولید، حاشیه سود، مطالبات وصول نشده و نیاز به سرمایه در گردش بررسی شود. سوده‌بودن شرکت نیز به‌تنهایی پاسخ نمی‌دهد که مالکیت بانکی آن باید ادامه یابد یا واگذار شود.

معامله قبلی چرا به سرانجام نرسید؟

سابقه معامله قبلی، حساسیت‌ها را بیشتر کرده است. گزارش‌های منتشرشده می‌گویند در اول دی ۱۴۰۴ رقابت برای خرید بلوک شفادارو به رقمی حدود ۳۷ هزار میلیارد تومان و اعلام نام‌میترا فرزادینا به‌عنوان خریدار انجامید اما معامله به علت پرداخت نشدن بخش نقدی در مهلت مقرر باطل شد.

با افزایش مشمولان به تعهدی بزرگ تبدیل می‌شود. نحوه توزیع نیز مهم است. خانواری که پول خرید سهمیه را ندارد از تخفیف کمتر بهره می‌برد. فاصله زیاد با بازار هم انگیزه فروش مجدد ایجاد می‌کند. صندوق بین‌المللی پول در بررسی حمایت غذایی بر کمک موقت و هدفمند به خانوارهای آسیب‌پذیر تأکید دارد؛ روشی برای محدود کردن هزینه و رساندن حمایت به نیازمندترین گروه‌ها.

۶ ماه بعد چه اتفاقی می‌افتد؟

محمدخانی درباره پایان دوره گفته است حتی با بازگشت به شرایط قبلی، قیمت میدیان همچنان از خرده‌فروشی‌ها پایین‌تر خواهد بود. او همچنین از بررسی مرحله بعد خبر داده و ادامه برنامه در شهرهای دیگر را به موفقیت طرح و استمرار حمایت دولت وابسته دانسته است. اما ارزان‌تر ماندن از بازار با ثابت ماندن مبلغ خرید فرق دارد. اگر کالای یک میلیون تومانی پس از ۶ ماه یک‌ونیم میلیون تومان شود حتی عرضه آن با تخفیف ۲۰درصدی، قیمت را به یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌رساند؛ خریدار همچنان افزایش ۲۰ درصدی می‌پردازد. حفظ نرخ قبلی، در مقابل، جبران فاصله بیشتری می‌خواهد. حمایت می‌تواند، فشار را در یک دوره کاهش دهد اما پایان آن باید از ابتدا طراحی شود تا خانوار با افزایش ناگهانی صورت‌حساب روبه‌رو نشود.

سهم مردم از هزینه

ناصر امانی پیش‌تر از ارائه نشدن لایحه و بودجه مشخص انتقاد کرده بود. در روایت تازتر مهدی اقراریان، زاکانی در جلسه غیرعلنی شورا درباره بسته‌ها توضیح داده است. با این حال توضیح شفاهی درباره سرمایه در گردش، جای حساب درآمد، هزینه و تضمین بازپرداخت را نمی‌گیرد. اگر کاهش قیمت از صرفه‌جویی واقعی تأمین شود، خانوار می‌تواند بدون یارانه مستمر منتفع شود. اگر فاصله از بودجه عمومی پرداخت شود، هزینه بر منابع مشترک مردم می‌نشیند؛ اگر با بدهی پوشش داده شود به سال‌های بعد منتقل می‌شود. تأمین تورم‌زای کسری نیز می‌تواند، بخشی از منفعت خرید ارزان را پس بگیرد. ادعای موفقیت کشوری با قیمت روز افتتاح سنجدیده نمی‌شود. معیار، تأمین مستمر کالا، دسترسی خانوارهای کم‌درآمد و هزینه حفظ این قیمت است. گسترش طرح زمانی پشتوانه اقتصادی دارد که حساب دوره بعد نیز با درآمد فروش بخواند؛ وگرنه تخفیف امروز، تعهدی برای بودجه فردا خواهد بود.



این سابقه نشان می‌دهد اعلام برترنده، پایان واگذاری نیست. در عرضه جدید نیز امکان خرید شرایطی با پرداخت ۲۵ درصد نقد پیش‌بینی شده؛ رقمی نزدیک به ۱۰ هزار میلیارد تومان در کف اعلام شده. توان پرداخت اقساط و تأمین هزینه‌های تولید هر دو اهمیت دارند. در متن مصاحبه فانا، موجود در اسناد این گزارش حسین صیادی، نایب‌رئیس هیأت‌مدیره زاگرس دارو، روایت دیگری از دشواری واگذاری ارائه کرده است. او می‌گوید، عرضه دیگری در اسفند که کنسر سیوم متبوع‌اش قصد حضور در آن را داشته با دستور دادستانی متوقف شده است. متن آن دستور برای این گزارش در دسترس نبود. روایت صیادی همچنین باید با توجه به موقعیت او به‌عنوان مقامی خرید خوانده شود؛ همانگونه که دفاع بانک از فروش، موضع فروشنده است.

چه تضمینی برای ادامه تولید وجود دارد؟

پرسش تعیین‌کننده اکنون این است که قرارداد چه تعهد قابل سنجشی برای سرمایه‌گذاری، استمرار تولید و حفظ ظرفیت‌های ضروری دارد. تضمین وصول پول فروش به‌خودی‌خود تضمین تأمین دارو نیست. انتشار گزارش ارزش‌گذاری، معیارهای احراز توان خریدار و شروط نظارت پس از فروش می‌تواند، امکان داوری مستند را فراهم کند. تا آن زمان، نه ادعای ارزان‌فروشی اثبات شده و نه عرضه در بورس، به‌تنهایی، موفقیت این واگذاری را تضمین می‌کند.

جامعه

اعتماد از دست رفته

تغییر مداوم مدیران

اعتماد ساکنان محلات را از بین می‌برد

کارشناسان می‌گویند تغییر مداوم مدیران، نادیده گرفتن نهادهای محلی و تصمیم‌گیری بدون مشارکت ساکنان، بازآفرینی محلات ایران را با چالش روبه‌رو کرده است. تغییر مدیران، تعطیلی دفاتر تسهیل‌گری و نادیده گرفتن تشکلهای محلی از مهم‌ترین انتقادهایی بود که کارشناسان در نشست «هفت‌شهر» به شیوه مدیریت و بازآفرینی شهری در ایران مطرح کردند. به گفته آنان، تصمیم‌گیری از بالا نه‌تنها ظرفیت مشارکت مردم را از بین می‌برد بلکه اعتماد ساکنان به طرح‌های شهری را نیز تضعیف می‌کند. حسین ایمانی‌جاچرمی، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، عمر کوتاه مدیران را یکی از موانع اصلی مشارکت واقعی دانست. او گفت، وقتی دوره مدیریت به یک تا یک‌ونیم سال محدود می‌شود، مدیران انگیزه چندانی برای ورود به فرآیندهایی ندارند که به ۱۰ تا ۱۵ سال گفت‌وگو و جلب اعتماد مردم نیاز دارد. شفق متولی، معمار و طراح شهری نیز هشدار داد با تغییر مدیران و تعطیلی دفاتر محلی، سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته طی سال‌ها از بین می‌رود و مردم در تجربه‌های بعدی با بی‌اعتمادی بیشتری وارد گفت‌وگو می‌شوند. عبدالرضا گلیایگانی، عضو هیأت‌مدیره سازمان ملی زمین و مسکن، مشکل را بی‌اعتنایی به ساختار رسمی به نهادهای موجود در محلات دانست. او با اشاره به اسلام‌آباد تهران گفت بررسی‌های محلی نشان داده حدود ۵۰ درصد ساکنان مالک یا دارای سابقه مالکیت هستند؛ واقعیتی که بدون شناخت جامعه محلی ممکن است، نادیده بماند. در مقابل، تجربه ژاپن نشان می‌دهد، مشارکت شهروندان می‌تواند مسیر پروژه‌های بزرگ را تغییر دهد. میثم معصومی در این نشست توضیح داد که یک شرکت توسعه‌دهنده در توکیو برای دستیابی به رضایت حدود ۹۰ درصد مالکان ۱۳ سال مذاکره کرد و بیش از هزار جلسه برگزار شد. در نمونه‌ای دیگر، مخالفت ساکنان با تعریض خیابان به ارائه راهکاری جایگزین و تشکیل شورایی محلی انجامید که در سال ۱۹۸۲ به رسمیت شناخته شد. مقایسه این تجربه‌ها نشان می‌دهد، مسئله بازآفرینی شهری فقط تأمین بودجه و ساخت‌وساز نیست؛ به گفته کارشناسان بدون ثبات مدیریتی و به‌رسمیت شناختن نقش مردم، حتی طرح‌های عمرانی نیز ممکن است به فرسایش اعتماد عمومی منجر شوند.

